

معیّن الرعا با اجازه دهک از ابتدای برج اسدمنه السنه تنگوزیل لغایت یکسال شمسی بامرات قرار داد بانک شاهنشاهی مقدار ۱۲ کرور متقال از قرار متقالی یکقران و نیم شاهی نقره خالص تعمیم نموده بعد از ضرب سکه عوض آن را قران مسکوک دریافت دارد .

رئیس - در ماده اول مخالفی هست

عز الملک - بنده يك ايراد قانونی کردم و باید جواب راهم قانونی بدهند البته رأی مجلس قاطع است ولی جواب باید قانونی باشد بنده عرض کردم که تمام معاملات دولتی باید بنزاید باشد حالا باید بنده بفهمانند که بطریق استثناء اینرا باید گذراند یا بطریق قانون اگر واقعا موافق قانون است باید بنده با دلایل بفرمایند و اگر هم نیست باید بگویند که مجلس در این مورد بخصوص باید استثنائی بکند

حاج عز الملک مخبر - اولاً اینطور که خودشان فرمودند رأی خود مجلس قاطع است و خلاف قانون هم نیست اگر خلاف قانون بود مجلس رأی نمیداد خود رأی مجلس قانون است و این معامله نیست که بجزایده و مناقصه گذاشته شود این اجازه است که از طرف دولت بدو نفر از تجار داخله داده میشود که این نقره را حمل بکنند ولی بوجوب لایحه کسابق از مجلس گذشته است اختصاص حمل نقره فقط بتوسط بانک شاهنشاهی است حالا بانک حاضر شده است دولت بدو نفر تجار داخله نیز این مقدار نقره را حمل نماید دیگر با این توضیحات گمان می کنند اشکالی نداشته باشد علاوه بر اینکه رأی مجلس هم قاطع خواهد بود .

رئیس - دیگر مخالفی نیست با ماده اول (اظهاری نشد)

رئیس - رأی میگیریم بماده اول آقایانیکه موافقت و ماده اول را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت تصویب شد ماده دوم بمبارت ذیل قرائت گردید

ماده ۲ - وزارت مالیه مجاز است که باقای میرزا محسن متمدنالتجار اجازه دهد که از ابتدای برج اسد منه السنه تنگوزیل لغایت یکسال شمسی بامرات قرارداد بانک شاهنشاهی مقدار بیست کرور متقال نقره را از قرار متقالی یکقران و نیم شاهی نقره خالص تسلیم نموده بعد از ضرب سکه عوض آنرا قران مسکوک دریافت دارند .

عز الملک - اگر این کسبترت با بانک شاهنشاهی شده است دیگر لازم نیست که بمجلس بیاید و اگر بانک نشده است خوبت درست توضیح بفرمایند بفرمایند از یکطرف میفرمایند که این کسبترت با بانک شاهنشاهی بسته شده است از یکطرف دیگر مامی بنشین اینجا طرف دو نفر دیگر هستند و بانک نیست و ایراد هم که اینجا کردم برای این بود که بایستی این لایحه بکسیون قوانین مالیه بیاید و نیامده است جواب این ایراد بنده راهم ندادند .

حاج عز الملک مخبر - بنده عرض

نکردم این کسبترت با بانک شاهنشاهی نشده است عرض کردم حمل نقره با اجازه دولت با بانک شاهنشاهی است و این مقدار را بانک حاضر شده است که با دو

نفر از تجار داخله وارد بنساید بنده عرض نکردم که این معامله با بانک است و کسبیون بودجه هم صلاحیت داشته است این چیزی هم نبوده است که اعلان مزایده و مناقصه وارد بشود .

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم این جواب نمیشود میگویند که باید بکسیون قوانین مالیه برود و راجع بکسیون بودجه نیست فرض این است که جواب داده شود ماهها هم باید از آن جواب استقاده کنیم اگر بنساید اینطور باشد نتیجه مخالف و موافق فایده ندارد .

حاج و کیل الرعا با دولت آوردن نقره را

برای ضرابخانه انحصار نخواهد داد فقط بانک شاهنشاهی يك رابطه است که نقره را از فرنگستان حمل بکنند بایران و این در تحت يك قرار دادی است که خاطر آقایان مسبق است که دو دفعه اینجا مکرر بیان شد که معامله نقره را دولت با بانک شاهنشاهی کرده است میخواستیم عرض کنیم توضیح بدهم که در ضمن بیانات يك نکته است فقط بانک که حالا ذکر مطالبش را در اینجا زائد میدانم و غالباً آقایان بهتر از من میدانند خواسته اند که با این دو نفر این معامله را بکنند و این در تحت يك قرار داد است که همه آقایان مسبقند و اما اینکه میفرمایند بکسیون قوانین مالیه رجوع میشد بهتر بود گمان میکنم که این جزء قوانین مالیه نیست که رجوع شود و اینرا استثناء نکنند همان حق را که برای خودش گذاشته است که هر وقت دولت میخواهد حمل نقره بکند بهمان مقدار نقره بانک شاهنشاهی حمل میکند نقره را این است حالا خواسته است که با این دو نفر این معامله را بکنند .

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم که اصلا

این اجازه که بانک شاهنشاهی داده شده است آیا این از کسبیون قوانین مالیه آمده است یا از کسبیون بودجه الان مخبر کسبیون قوانین مالیه حاضر است که نظیر این مطلب از کسبیون قوانین مالیه آمدند و مطلب است که هر دو نظیر یکدیگرند یکی يك کسبیون میروند یکی دیگر بکسیون دیگر اگر راجع بکسیون قوانین مالیه است باید با تجار بود راجع بکسیون بودجه است باید بکسیون قوانین مالیه اقرار بکنند که بدون جهت داخله مذاکره آن قرارداد شده آخر باید این یک ترتیبی داشته باشد یا نداشته باشد .

رئیس - این اظهاریکه میفرمایند وفتش گذشته است در کلیات میبایستی این اظهارات را بفرمایند حالا که ماده اول گذشته است نمیشود این اظهارات را در ماده دوم کرد ماده دوم را اشخاصی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت تصویب شد ماده ۳ بمبارت ذیل قرائت شد با اصلاح مخبر .

ماده ۳ - آقایان معین الرعا با و متمدنالتجار در صورت لزوم مجازند بیست کرور متقال نقره را اضافه بر قرارداد دولتی بتوسط بانک شاهنشاهی در ظرف یکسال شمسی وارد نموده و در ضرابخانه سکه نمایند

رئیس - در ماده سیم مخالفی نیست

رئیس - در ماده سیم مخالفی نیست

عز الملک - بنده مخالفم لکن فایده ندارد بنده عرض کردم که کلیه معاملات دولت یا با بانک یا بایک جماعتی باید بطریق مزایده و مناقصه باشد پس اگر بگویم تکرار کرده ام عرایض خودم را .

حاج آقا - این مسئله نقره چندی قبل تمام نمایندگان مسبقند که گفتگو شد و با هیئت دولت هم تصویب نمود و این مسئله نقره فقط بکسر دخلی است برای دولت و کسبیونی هم که راجع باینکار است همان کسبیون بودجه است همه میدانند که دولت با بانک شاهنشاهی بشرفر دادی کرد که بتوسط او نقره وارد کنند دولت بتوسط او وارد میکند بانک باید دیگر نمیتواند نقره وارد کند بتوسط بانک نباید وارد کند و این نقره هم که بتوسط آقای معین الرعا با و متمدنالتجار وارد میشود با بانک مذاکره کردند و بانک راضی شد و این یکصوم دخلی است برای دولت که تقریباً یکصد و شصت هزار تومان برای دولت فایده دارد و يك چیزیکه فرق دارد با کسبترت بانک فقط این است که قیمتش قطع شده است به بیست و نیم شاهی و آن هر قدر که میخواهد وارد میکند اگر زیادتر وارد کند ضرر دارد اگر کم وارد کند منفعت دارد ضرر و نفعش دیگر راجع بدولت نیست و بر خلاف اینها حساب کرده اند مبلغی فایده دارد برای دولت قریب صد و شصت هزار تومان بدون اینکه دیناری از برای دولت ضرر داشته باشد و هیچ محل این مذاکرات نیست راجع بکنم و زیادتی نیست که بجزایده بگذارند يك معامله است که دولت در حالیکه با بانک قرارداد داده بود که بانک واگذار کند این را بدو نفر تاجر داخله واگذار کرده است که آنهم یک مقدار نقره وارد کنند و فقط برای دولت صد و شصت هزار تومان فایده دارد و شاید هم برای آنها دارد بدون اینکه ضرری دارد بیاید و احتمال نفعی هم برای تجار داخله هست این محل گفتگو نیست که آنقدر دقت میشود

رئیس - دیگر مخالفی نیست در ماده سوم اشخاصی تصویب میکنند ماده ۳ را قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

مذاکره در کلیات است در کلیات اگر مخالفی هست (اظهاری کردند مخالفی نبود)

رئیس - رأی میگیریم باین لایحه آقایانی که تصویب میکنند این لایحه را ورقه سفید خواهند داد آقایانیکه تصویب نمیکند ورقه کبود خواهند داد شروع باخذ اوراق شده و آقای حاج میرزا رضاخان عده اوراق سفید راه ۴۲ احصا نمودند

رئیس - با کثرت ۴۲ رأی از (۱۹) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد . راپورت کسبیون بودجه راجع بپورت نقره و دفتر مجاهد (بمبارت ذیل قرائت شد) لایحه وزارت مالیه راجع بپیرزا محمد علیخان و میرزا عباسخان و شبخلملی مجاهد دو کسبیون مصرح گردید وزارت مالیه اظهار داشته اند این سه برادر از رشت در جزء مجاهدین بطهران آمده و در موقع فتح طهران آقا شیخلی مقتول گردیده و مدتی است این دو برادر در طهران مقروض و ویریشان هستند و نظر بنده مالی که در راه آزادی نموده اند یکصد تومان بآنها داده شود کسبیون بودجه همین پیشنهاد وزیر را تصویب مینمایند .

ماده واحده - مبلغ یکصد تومان بپیرزا محمد علیخان و میرزا عباسخان برای تأدیة قروض شخصی و خرج راه پرداخته میشود .

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد) آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقایانیکه تصویب نمیکند ورقه آبی شروع باخذ اوراق شده و آقای حاج میرزا رضاخان عده (۴۱) احصا نمودند .

رئیس - با کثرت ۴۱ رأی از (۷۱) نفر تصویب شد برای خاطر اطلاع آقایان عرض کنیم که آقای ارباب کیخسرو از آن کسبیون نه نفری استفا داده اند در جلسه آینه بکنفر بجای ایشان باید انتخاب بشود دستور سه شنبه ۱۴ -

رئیس - با کثرت ۴۱ رأی از (۷۱)

نفر تصویب شد برای خاطر اطلاع آقایان عرض کنیم که آقای ارباب کیخسرو از آن کسبیون نه نفری استفا داده اند در جلسه آینه بکنفر بجای ایشان باید انتخاب بشود دستور سه شنبه ۱۴ - شور اول در طبقه قانون انتخابات از ماده ۴۷ راپورت بودجه راجع بقریه قریب دوفول - راپورت قوانین مالیه راجع بورث اشخاصی که مواج آنها از دو تومان کمتر است - راپورت کسبیون بودجه راجع بقات یوسف آباد بقریه یزد و ادیب المجاهدین آقای حاج آقا راجع بدستور فرمایش دارید .

حاج آقا - خواستم خواهش کنم که جزء دستور قرار بدهید که کسبیون نه نفری راپورتی بمجلس بدهد که ما مطلع شده باشیم از اقداماتشان حالا ما هیچ خبر نداریم

رئیس - کسبیون چه راپورت باید بدهند وقتی راپورت میدهند که وزراء نطقی داشته باشند نخواهند بمجلس اظهار کنند هنوز که اظهاری نکرده اند .

لواء الدوله - در خصوص میرزا عبدالعلی مجاهد تقریباً کسان او مسائل هستند تقاضا میکنم که جزء دستور روز سه شنبه گذارده شود .

رئیس - اگر وقت داشتیم آنرا هم می گذاریم جزء دستور مخالفی نیست باین ترتیب (اظهاری نشد)

جلسه ۲۸۴

صورت مشروح روز سه شنبه ۱۳ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۶

آقای رئیس سه قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس فرمودند و پس از ده دقیقه مجلس رسماً تشکیل شد صورت مجلس قبل را آقای آقا میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند غائبین جلسه قبل بدون اجازه معاضد السلطنه .

با اجازه - آقای محمد پروجری آقایانیکه از وقت مقرر تاخیر نموده اند آقا میرزا یانس ۲ ساعت و نیم - ناصر الاسلام ۵ دقیقه دکتر امیرخان ۵ دقیقه ادیبالتجار نیر السلطان حاج امام جمعه انتظام السلطنه - هر کدام نیم ساعت مریض آقا میرزا مرتضی قلیخان مرزا علی اکبر خان دهخدا

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست باید به مجلس شورای ملی شکایت کنند غیر از مجلس شورای ملی گمان میکنم کسی نمیتواند در انتخابات حکم واقع بشود .

لواء الدوله - در خصوص اشکالی که در انتخابات

رئیس - در قانون انتخابات

لواء الدوله - بله

رئیس - تصحیح میشود دیگر مخالفی نیست گفتند خیر صورت مجلس تصویب شد جواب مرقومه

معز الملک

بعقیده بنده این چیزی که اینجا نوشته شده است صحیح نباشد اینجا می نویسد انجمن نظارت بعد از ختم انتخابات تا يك هفته

علماء اعلام و حجج اسلام نوشته شده است قرائت میشود اگر تصویب شد فرستاده میشود .

(جواب مزبور بمبارت ذیل قرائت شد)

مقام محترم هیئت اتحادیه علماء اعلام و حجج اسلام دامت برکاتهم لایحه محترمه آن هیئت معظمه که مشعر بر حسن توجهات و جدانیه و ادای وظایف دینی آن ذوات مقدسه در حفظ اساس اسلامیت و استقلال مملکت اسلامی بود در مجلس شورایی قرائت و موجب ترحیب قلوب و تأمین دلها و تشکر عموم گردید و تهیه موجبات آسایش عمومی که مقصد اصلی دین مبین است بوده و نظر به همین مقصد بوده که از یسرفرت آن از بنبل همه گونه مساعدت و مجاهدت فرو گذار نفرموده از هیچگونه همراهی مضایقه نکرده و اینک هم نظر بوخامت عاقبت این پیش آمده انتظار همین بود که اگر چه از طرف دولت اقدامات کافی در جلوگیری شده و میشود از طرف آن هیئت مقدسه هم مساعدتها معنوی بعمل آید و قلوب آسوده که رشته آنها باغساق قدسه آن ذوات محترم مربوط است بهیجا آمده محظ حقوق خود را باعلی درجه ساعی و حاهد باشند .

رئیس - مخالفی هست (گفتند خیر) همینطور که قرائت شد نوشته و فرستاده میشود قانون انتخابات از ماده ۴۷ قرائت میشود .

ماده ۴۷ - اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی در حین انتخاب شکایتی یا ایرادی راجع بان انتخاب داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید در صورت مجلس درج شود

رئیس - در این ماده مخالفی نیست (مخالفی نبود) (ماده ۴۸ بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۴۸ - انجمن نظارت بعد از ختم انتخابات تا يك هفته شکایات راجعه بان انتخابات را میپذیرد و تا يك هفته دیگر هم برای رسیدگی بشکایات داور خواهد بود .

حاج سید ابراهیم - این شکایات از انتخابات است یا شکایت از انجمن نظارت است اگر شکایت از انتخابات باشد بجهت اینکه مسؤول صحت انتخابات انجمن نظارت است ولی شکایت اگر راجع بانجمن نظارت باشد بایست بحکومت شکایت شود که او این انجمن نظارت را معین کرده است پس باید فرق بگذاریم بین شکایاتی که از انتخابات میشود با شکایاتی که از انجمن نظارت میشود .

ذکاء الملک - شکایتی که از انجمن نظارت میشود ممکن است که تعدی نباشد و خود انجمن بتواند او را رفع کند در صورتیکه نتواند رفع کند آن وقت باید بمجلس شورای ملی اظهار کند دیگر بحکومت اظهار کردن لازم نیست و شکایات در صورتیکه راجع بان انتخابات باشد باید بانجمن نظارت باشد و یا اگر بانجمن نظارت اظهار نشود باید به مجلس شورای ملی شکایت کنند غیر از مجلس شورای ملی گمان میکنم کسی نمیتواند در انتخابات حکم واقع بشود .

معز الملک

بعقیده بنده این چیزی که اینجا نوشته شده است صحیح نباشد اینجا می نویسد انجمن نظارت بعد از ختم انتخابات تا يك هفته

رئیس - گویا مذاکره کافی باشد اصلاحی

شکایات راجعه بان انتخابات را می پذیرد و تا يك هفته دیگر هم رسیدگی بشکایات است برای رسیدگی بشکایات پس اگر در هفته دوم رسیدگی مینماید پس اگر بخواهیم بگوئیم در ظرف این دو هفته شکایات را تمام قبول میکنند در این صورت دیگر وقت برای او باقی نماند که در آن شکایات رسیدگی کند و اینکه سابقاً نوشته شده بود که انجمن انتخابات تا يك هفته داور خواهد بود برای مراجع بشکایات به همین ملاحظه که انجمن تا يك هفته شکایات را بپذیرد بعد اگر لازم شد اگر چه ممکن است که لازم باین که انجمن نظارت رسیدگی بکند نباشد و حالا باین ترتیب که نوشته شده است تا روز آخر هفته اول هم اگر شکایتی رسید باز حق دارد قبول کند و تا يك هفته دیگر هم رسیدگی بنماید ولی در هفته دوم دیگر قبول شکایات نمیکند و برای اینکه محدود باشد شکایت کردن مردم بانجمن نظارت این طور نوشته شده است ولی بعد از آنی که از این حد گذشت باز هم میتواند شکایت را بمجلس شورای ملی رجوع نماید .

حاج آقا - بنده آن اشکال اولیه را که حاج سید ابراهیم فرمودند بنده تأیید میکنم بواسطه اینکه جواب دادند که در ماده بعد شکایاتی که راجع بانجمن نظارت فرستاده میشود بمجلس شورای ملی و بنده با همه تجربیاتی که آقایان در امر انتخاب دارند این مطلب را کافی میدانم بلکه لازم میدانم که شکایت از انجمن نظارت در همان محل بحکومت بشود که بلکه بحکومت بتواند رفع آن شکایت را بکند و واقعا اگر نقضی در کار باشد رفع میکند بواسطه اینکه اگر بنا بشود شکایت از انجمن نظارت رجوع شود بمجلس شورای يك مدت زمانی طول خواهد کشید در صورتیکه امر انتخاب تمام شده و اعتبار نامه شان هم فرستاده شده است بمجلس شورای ملی و آن وقت آن کسانی که ایراد داشته بانجمن نظارت یا اینکه آن ها رشته غرض رانی میدانستند و ایراد واقعی هم داشته اند ناچار میشوند که به مجلس شورای ملی رجوع بکنند بمجلس شورای ملی هم چون دور از آن مرکز انتخاب است آیا صحت شکایت آنها را ملتفت بشود و مطابق مقصود رسیدگی برایش آنها بکنند یا نکنند و اگر هم بکنند مدتی طول خواهد کشید پس بسیار خوب است که اگر شکایتی داشته باشند از انجمن نظارت بحکومت محل رجوع بکنند که اگر حکومت محل تصدیق کرد آنها را تغییر میدهند و اگر تصدیق و تصویب نکرد انجمن نظارت را تغییر نمیدهند و آنوقت دیگر تظلم هم در امر انتخابات نشده است .

رئیس - گویا مذاکره کافی باشد اصلاحی

رئیس - گویا مذاکره کافی باشد اصلاحی

رئیس - گویا مذاکره کافی باشد اصلاحی

رئیس - گویا مذاکره کافی باشد اصلاحی

از آقای لسان الحکماء هست قرائت میشود (اصلاح مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

انجمن نظارت بعد از ختم انتخابات تا دو هفته شکایات راجعه بانتخابات را می پذیرد (اصلاحی هم از طرف آقای مبرز الملک بعبارت ذیل قرائت شد انجمن نظارت بعد از ختم انتخابات تا یک هفته شکایات راجعه بانتخابات را می پذیرد پس از انقضای یک هفته پذیرفتن شکایات را ختم کرده در ظرف یک هفته دیگر شکایات واصله رسیدگی مینماید.

رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون یک اصلاح الحاقیه هم از آقای حاج سید ابراهیم رسیده قرائت میشود (اصلاح مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که این عبارت با آخر ماده ۴۸ الحاق شود شکایات از انجمن نظارت تا یک هفته بحکومت داده میشود که رسیدگی نماید.

(ماده ۴۹ بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۴۹ - متشکبان از انتخابات یا از انجمن نظارت میتوانند پس از افتتاح مجلس شورای ملی شکایات خود را در ظرف ماه اول بمجلس شورای اظهار نمایند و حکم مجلس شورای ملی قاطع خواهد بود شکایات راجعه بانتخاباتیکه بعد از افتتاح مجلس شورای ملی بعمل بیاید در ظرف ماه اول بعد از انجلا هیئت نظار بمجلس شورای ملی اظهار شود **شیبانی** - این ماده ۴۹ در حقیقت تشریح ماده ۴۸ است بواسطه اینکه میبوسد متشکبان از انتخابات در ظرف ماه اول شکایات خود را بمجلس اظهار کنند در صورتیکه باید بنویسند متشکبان باید بدو شکایات خود را بانجمن نظارت بکنند اگر انجمن نظارت نتوانست قطع و فصل بکنند آن وقت به مجلس شورای ملی شکایت میکنند والا قبل از اظهار بانجمن نظار چطور می تواند بمجلس شورای ملی اظهار بکنند و بنده پیشنهادی هم کرده ام.

ذکاء الملک - همینطوریکه فرمودند ماده ۴۹ متمم ماده (۴۸) است تشریح او را نمینماید شکایات هم معلوم است که اول باید بانجمن نظارت شود اگر انجمن نظارت رسیدگی نکرد آن وقت بمجلس شورای ملی اظهار میشود.

حاج سید ابراهیم - بنده گمان میکنم که این تعیین که بعد از یک ماه اول معنی این است که اگر بعدها شکایت بکنند مسموع نیست پس خوب است تصریح شود که پس از یک ماه حق اعتراض ندارد یاس از یک ماه دیگر مجلس نمیپذیرد تا این که معلوم شود که پس از یک ماه مجلس دیگر شکایات نمیبرد.

محمد هاشم میرزا - این فرمایش آقای حاج سید ابراهیم اصلاح عبارتی است و مقصود کمیسیون هم همین بوده است و همینطور هم خوب است اصلاح شود.

حاج شیخ اسدالله - در شکایات راجعه بانتخابات که بعد از افتتاح مجلس شورای ملی باید در ظرف یک ماه بعد از انجلا هیئت نظار بمجلس برسد بسمت اعتبار نامه ای که از هیئت نظار میرسد ۲ ماه طول میکشد که بمجلس بیاید مثل

این که در این اوقات هم دیدیم آن وقت شکایاتیکه هیئت نظار بعد از یک ماه از انجلا آنها میرسد تا آن اعتبار نامه نرسیده باشد مجلس نمیتوان رسیدگی نماید پس خوب است بعد از رسیدن اعتبار نامه یک ماه مجال از برای کسانی که شکایت دارند قرار بدهند که هم اعتبار نامه بمجلس آمده باشد و هم شکایات آنها رسیدگی شده باشد.

ذکاء الملک - شکایت کردن مردم از انتخاب راجع باین نیست که مجلس رسیدگی کرده باشد یا نکرده باشد باید مدت معینی باشد از برای مردم که در ظرف آن مدت اگر شکایتی دارند بکنند خواه مجلس شروع کرده باشد بر رسیدگی اعتبار نامه ها خواه نکرده باشد حالا در دوره تقنینیه که مجلس منعقد شده است و یک نماینده استعفا داده و بناهت عوض او را انتخاب کنند و انتخاب کردند اگر شکایتی پیدا شد از آن انتخاب آن را کسی باید رسیدگی بکند البته باید بمجلس اظهار بکنند و این که صبر بکنند تا وقتیکه اعتبار نامه آن نماینده برسد صحیح نیست مردم باید بدانند امروز که انتخاب کردند تا ۲ هفته دیگر شکایتیکه دارند بانجمن نظارت بکنند اگر در ظرف آن هفته شکایت نکردند بعد هم تا یک ماه دیگر هم حق دارند که شکایت بکنند و همین که آن یک ماه منقضی شد دیگر حق ندارند شکایت بکنند اعتبار نامه خواه رسیده باشد یا نرسیده باشد **رئیس** - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است)

رئیس - اصلاحی از طرف آقای شیبانی قرائت میشود (اصلاح مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

در ماده ۴۹ بنده اینطور پیشنهاد میکنم نوشته شود - متشکبان از انتخابات باید بدو شکایات خود را بانجمن نظارت اظهار نمایند پس از آن که متقاعد نشدند میتوانند پس از افتتاح مجلس شورای ملی شکایات را در ظرف ماه اول اعم از انجمن نظار یا انتخابات تجدید نمایند حکم مجلس شورای ملی قاطع خواهد بود.

رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون ماده پنجاهم قرائت میشود.

ماده ۵۰ - هر که یکی از نمایندگان بوسبیله تطبیع یا تهدید انتخاب شود پس از ثبوت بانجمن نظارت یا مجلس شورای ملی انتخاب آن نماینده از درجه اعتبار ساقط است و بهلاوه بمجازات قانونی خواهد رسید.

حاج سید ابراهیم - بنده یک اصلاح عبارتی لازم میدانم که بنویسند بهلاوه تهدید یا تطبیع کننده هم بمجازات میرسد زیرا ممکن است که دیگری تطبیع و تهدید کرده باشد و این جمله فقط بخود آن نماینده برمیخورد پس باید نوشته شود که تهدید یا تطبیع کننده و مجازات هم در اینجا محمل است معین نشده است از جمله معاصر شرعیه هم نیست که بگوئیم یک مجازاتی برای او در قانون اسلام معین شده بجهت اینکه یک قلبی در انتخابات کرده است باید اینجا

صریحاً بنویسند که مجازات آن شخص و تطبیع یا تهدید کننده چه چیز است قتل است حبس است تا اینکه معلوم باشد که مجازات قانونی آن چه چیز است و آن شخص هم بداند که مجازاتش چه چیز است.

ذکاء الملک - مطلب اول را تصدیق میکنم که باید اصلاح شود اما در دویم پیشنهاد کنند.

شیبانی - بنده هم در اضافه که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند بایشان موافقم ولی میخواستم عرض کنم که مجرد ثبوت بانجمن نظار کفایت نمیکند بلکه باید بمعکمه ثالثی رجوع شود که اسباب انقلابی نشود برای اینکه شاید یک نماینده از روی صحت انتخاب شده است ولی برخلاف میل انجمن نظار بوده است از این جهت این را بنده کافی میدانم همین قدر که یک اختلافی بانجمن نظار معلوم شده که خیانتی در اینکار یا تطبیع و تهدیدی شده است کفایت نمیکند بلکه در یک محکمه ثالثی معلوم شود و آن هم باید در اینجا قید شود و در مسئله ثانی هم که حاج سید ابراهیم فرمودند عرض کردم که بنده هم تصدیق دارم که باید اضافه شود.

ذکاء الملک - محکمه ناک همان مجلس شورای ملی است که حق دارد رسیدگی کند و اگر آنها بیایند اسباب جنینی برایش بکنند و بگویند که بر ما ثابت شده است برای اینکه حقیقتاً رضای بکنند مجلس رسیدگی میکند و نیکو دارد پس باید بعد از انجمن نظار به مجلس رجوع بکنند.

آقا شیخ ابراهیم - بنده هم میخواستم عرض کنم که تهدید کننده و تطبیع کننده هم لازم است قید شود که باید مجازات بشود و لکن تصریح کردن مجازات در اینجا صحیح نیست مجازات اینطور اعمال در قانون جزا باید معین بشود اینجا جای آن نیست که مجازات آن را معین بکنیم وقتی هم که ثابت شد علیه باید حکم مجازات را بدهد.

رئیس - مذاکره گویا کافی است (گفتند کافی است.)

(دو فقره اصلاح است قرائت میشود.)

اصلاح از طرف آقای حاج عز الملک بعبارت ذیل قرائت شد.

بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده اینطور

نوشته شود که تا چهار سال بسمت نمایندگی و خدمات دولتی پذیرفته نمیشود.

اصلاحی هم از طرف آقای حاج سید ابراهیم بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم که تطبیع کننده یا تهدید کننده شش ماه حبس خواهد شد.

رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون ماده ۵۱ قرائت میشود (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد).

ماده ۵۱ - حق اعتراض بر انتخابات را اشخاصی دارند که حق انتخاب کردن را داشته باشند.

رئیس - مخالفی نیست در این ماده (اظهاری نشد) ماده ۵۲ خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد.)

ماده ۵۲ - همینکه نصف بهلاوه یک نفر از نمایندگان ملت در طهران حاضر شدند مجلس

افتتاح مییابد و رای آنها با اکثریت مناسط اعتبار و مجری است.

رئیس - کسی در ماده ۵۲ مخالف هست؟

زنجانی - این که رای آنها با اکثریت مناسط اعتبار و مجری است دلالت میکند که اکثریت که نصف بهلاوه یک نفر باشد میتواند رای بدهد و حال آن که در قانون اساسی دو نیک یا سه ربع قید شده است.

ذکاء الملک - رای آنها با اکثریت مناسط اعتبار است البته همان اکثریتی است که قانون اساسی معین کرده است و در اینجا هم اکثر لازم است ممکن است تصریحی بشود.

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) ماده ۵۳ قرائت میشود (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۵۳ - ابتدای دوره تقنینیه دو ساله از روزی است که مجلس شورای ملی افتتاح میشود.

مبرز الملک - مطابق اصل هشتم قانون اساسی که میبوسد (مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی بر طبق نظامنامه داخلی مجلس بشخص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید بمجلس از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شود ممکن است ۱۴ میزان را بگویند اول دوره تقنینیه است یا این که بگویند ابتدای دوره اجلاسیه است در هر صورت وقتیکه قانون اساسی ابتدای روز دوره اجلاسیه را معین کرده است خوب است ما هم روز اول افتتاح را همان ۱۴ میزان قرار بدهیم ولی علیای حال قانون اساسی روز افتتاح باشد دوره اجلاسیه را معین کرده است و ۲ ماه باخر دوره مانده باید از طرف دولت حکم تجدید انتخابات صادر شود وقتیکه ما در اینجا ابتدای دوره را معین کردیم آن وقت ۲ سال معین داریم و آن ۲ سال از وقتی شروع میشود که مجلس افتتاح میشود خوب است از ۱۴ میزان آن سال معین شود و اشکالی نخواهد داشت همان طوریکه قانون اساسی معین نموده اگر غیر از این باشد شاید بعضی اشکالات پیش بیاید و هر گاه انتخابات هم فرضاً یک ماه بیشتر طول بکشد و دیرتر تمام شود باز اشکالی ندارد آن و کلاسیکه برای این دوره معین شده اند عوض این که ۲۴ ماه بنشینند ۲۲ ماه خواهند نشست.

ذکاء الملک مخیر - این مسئله یک قدری قابل تأمل است بنده عقیده ام این است که ارجاع شود بکمیسیون بهتر است.

رئیس - تقاضا کردید که ارجاع شود بکمیسیون یک فقره اصلاح هم آقای مبرز الملک پیشنهاد کرده اند خوانده میشود و فرستاده میشود بکمیسیون (بعبارت ذیل خوانده شد) ابتدای دوره تقنینیه از ۱۴ میزان آن سالی محسوب میشود که انتخابات بعمل آمده است ماده ۵۴ مقرری اعضای مجلس شورای ملی موقوف بشخص و تصویب مجلس است.

مبرز الملک - این که نوشته شده که مقرری اعضای مجلس بسته برای خود مجلس است بعد از ۲ سال یک چیز زیادی است و آن هم جزء بودجه کل مملکت است و بنظر مجلس میرسد در قانون انتخابات سابق که گذشت بعضی ملاحظات صحیح بود

ماده ۵۵ - مخارج مسافرت نمایندگان را از محل انتخاب الی طهران ذهاباً و ایاباً با اطلاع انجمن نظارت از قرار فرسخی پنج قران دولت اداء خواهد کرد.

حاج سید ابراهیم - اینجا چون مخارج حرکت و مسافرت نمایندگان را نوشته است خوب است اشاره بمخارج انجمن نظارت هم بشود یا این که از هر دو ساکت باشد و تعیین مبلغ را نماینده همین قدر نوشته شود که مخارج مسافرت با آن ترتیبی که لازم و محل حاجت می شود حکومت ادا خواهد کرد دیگر تعیین فرسخی پنج هزار لازم نیست برای اینکه بسا میشود فرسخی پنج هزار در بعضی جاها مخارج نداشته باشند و یک قران کافی باشد بعضی جاها هم یکس فرسخی یکتومان مخارج داشته باشد در هر صورت بنده تعیین مخارجی را صحیح نمی دانم.

ذکاء الملک - بکلی مبهم گذاشتن این مسئله هم صحیح نیست شما خدی باید معین کرد حالا اگر پنج هزار را مناسب نمی دانند ممکن است یک ماخذ دیگری را اختیار کرد که از همه مناسب تر باشد **حاج شیخ اسدالله** - اینجا نوشته شده است (مخارج مسافرت نمایندگان را از محل انتخاب الی طهران ذهاباً و ایاباً گویا مراد از ایاب مراجعت بعد از افضاء مدت نمایندگی است اگر مراد این است تصور میکنم در نظامنامه سابق چنین چیزی نبوده است و زیادی است بجهت اینکه وقتی که دوره انتخابات آنها سر آمد دیگر منتی ندارند تا اینکه از برای مراجعت آنها دولت یک مخارجی بدهد **ذکاء الملک** - اولاً مقصود همان طور که گفتند مراجعت بعد از ختم دوره است و در نظامنامه سابق هم این کلمه بوده است و اینکه آقا معتقد هستند که چون هیچ منتی ندارد چیزی نباید باو داد عرض میکنم سابقاً که سمت نمایندگی داشته است و هیچ گناهی هم نکرده است که قبول نمایندگی ملت را کرده است.

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) **رئیس** - یک فقره اصلاح آقای لسان الحکماء پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۵۵ - مخارج نمایندگان را از محل انتخاب الی طهران با اطلاع انجمن نظارت از قرار فرسخی پنج قران دولت ادا خواهد کرد. **رئیس** - ماده ۵۶ - خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۵۶ - هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی مستعفی یا متوفی شود اگر بیش از ۶ ماه با افضاء دوره تقنینیه باقی نمانده باشد مجلس شورای ملی بکنفر بجای او انتخاب میکند لیکن اگر بیش

که نوشته شود مقرری اعضای با تصویب خود مجلس است ولی چون دو سال گذشته دیگر لازم نیست و علی ای حال این ماده هیچ مربوط بقانون انتخابات نیست که اینجا نوشته شده است.

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) ماده ۵۷ - خوانده میشود (بعبارت ذیل خوانده شد) ماده ۵۵ - مخارج مسافرت نمایندگان را از محل انتخاب الی طهران ذهاباً و ایاباً با اطلاع انجمن نظارت از قرار فرسخی پنج قران دولت اداء خواهد کرد.

حاج سید ابراهیم - اینجا چون مخارج حرکت و مسافرت نمایندگان را نوشته است خوب است اشاره بمخارج انجمن نظارت هم بشود یا این که از هر دو ساکت باشد و تعیین مبلغ را نماینده همین قدر نوشته شود که مخارج مسافرت با آن ترتیبی که لازم و محل حاجت می شود حکومت ادا خواهد کرد دیگر تعیین فرسخی پنج هزار لازم نیست برای اینکه بسا میشود فرسخی پنج هزار در بعضی جاها مخارج نداشته باشند و یک قران کافی باشد بعضی جاها هم یکس فرسخی یکتومان مخارج داشته باشد در هر صورت بنده تعیین مخارجی را صحیح نمی دانم.

ذکاء الملک - بکلی مبهم گذاشتن این مسئله هم صحیح نیست شما خدی باید معین کرد حالا اگر پنج هزار را مناسب نمی دانند ممکن است یک ماخذ دیگری را اختیار کرد که از همه مناسب تر باشد **حاج شیخ اسدالله** - اینجا نوشته شده است (مخارج مسافرت نمایندگان را از محل انتخاب الی طهران ذهاباً و ایاباً گویا مراد از ایاب مراجعت بعد از افضاء مدت نمایندگی است اگر مراد این است تصور میکنم در نظامنامه سابق چنین چیزی نبوده است و زیادی است بجهت اینکه وقتی که دوره انتخابات آنها سر آمد دیگر منتی ندارند تا اینکه از برای مراجعت آنها دولت یک مخارجی بدهد **ذکاء الملک** - اولاً مقصود همان طور که گفتند مراجعت بعد از ختم دوره است و در نظامنامه سابق هم این کلمه بوده است و اینکه آقا معتقد هستند که چون هیچ منتی ندارد چیزی نباید باو داد عرض میکنم سابقاً که سمت نمایندگی داشته است و هیچ گناهی هم نکرده است که قبول نمایندگی ملت را کرده است.

ذکاء الملک - بنده تصدیق میکنم که تجدید انتخاب در این مملکت خالی از اشکال نیست لیکن این جهت هم نمی شود مردم را از انتخاب محروم کنیم این امر باید واقع بشود برای اینکه ممکن است مردم یک رأی مخصوصی در همچو موردی در نظر داشته باشند که مثلا یک نماینده مخصوص را انتخاب نمایند ولی برای همان ملاحظه که آقای حاج سید ابراهیم میفرمایند یک چاره شده است که رفع اشکال را مینماید و آن قسمت آخر این ماده است که گفته ایم هر گاه در ظرف دو ماه بعد از اخطار اهل محل

انتخاب نکردند مجلس شورای ملی از بین ده نفر اولی که نسبة اکثریت داشته اند بکنفر را انتخاب خواهد کرد ولی اینکه مطلق بگوئیم مردم حق ندارند تجدید انتخاب کنند صحیح نیست منتی برای اینکه بواسطه مسامحه اهل محل مقام نماینده مستعفی خالی نماند باید یک چاره را در نظر گرفت و آن هم همین جمله آخری است که در این ماده نوشته شده است که اگر اهل محل در ظرف دو ماه انتخاب نکردند مجلس شورای ملی از میان آن هائیکه در انتخاب اول دارای اکثریت نسبی بوده اند بکنفر را انتخاب میکند.

مدرس - بنده باتمام این هائی که در این ماده نوشته شده است مخالفم یکی اینکه مجلس وکیل معین بکند فلط بوده و هست و از این گذشته فقره تائیس هم صحیح نیست بلکه در این صورت از مزایه

از شش ماه از دوره تقنینیه باقی باشد اهل محل بجای نماینده مستعفی یا متوفی یا متوفی انتخاب خواهد کرد هر گاه اهل محل در ظرف دو ماه از زمان اخطار انتخاب نکردند مجلس از بین ده نفر اولی که در انتخاب محلی نسبتاً حائز اکثریت بوده اند بکنفر را انتخاب خواهد کرد.

حاج سید ابراهیم - بنده با فقره اولی موافقم بجهت اینکه فیراز این چاره نیست ولی در فقره دومش که میگوید اگر پیش از شش ماه با افضاء دوره تقنینیه باقی باشد اهل محل انتخاب خواهند کرد گویا مقصود انتخاب جدید است و این را بنده اسباب زحمت میدانم برای اینکه وضع مملکت ما طوری نیست که بعضی اطلاع مردم حاضر شوند و انتخاب کنند و اسباب تعویق کار خواهد شد و عقیده بنده این است که باید معین کرد از آن منتخبین که بعد از این نماینده مستعفی یا متوفی نسبتاً اکثریت داشته اند بکنفر بجای او معین شود باین ترتیب که فرض بفرمایید وقتی که در آن نقطه نمایندگان را انتخاب میکردند یک شخصی دارای هزار رای بوده و انتخاب شده است بعد از اینکه این شخص هزار رأی استعفاء بافوت کرد آن شخص نهصد رأی بجای او معین شود و بمجلس بیاید نه اینکه تائیباً یک انتخابی بشود و تجدید انتخاب بعمل آید بجهت اینکه میدانید ترتیب انتخاب کردن مملکت ما بطوری است که بروی نتیجه از آن حاصل نمی شود و اما کن متوسطه اش اقلاً ۳ ماه طول خواهد کشید تا اینکه اسباب فراهم بشود و نتیجه از آن دست بیاید پس ارجاع بهمان انتخاب اولی بهتر است خصوصاً که در یک دوره تقنینیه است یعنی این نماینده که بجای آن نماینده مستعفی یا متوفی معین میشود تمام دوره تقنینیه را نخواهد ماند و بقیه او را طری خواهد کرد.

ذکاء الملک - بنده تصدیق میکنم که تجدید انتخاب در این مملکت خالی از اشکال نیست لیکن این جهت هم نمی شود مردم را از انتخاب محروم کنیم این امر باید واقع بشود برای اینکه ممکن است مردم یک رأی مخصوصی در همچو موردی در نظر داشته باشند که مثلا یک نماینده مخصوص را انتخاب نمایند ولی برای همان ملاحظه که آقای حاج سید ابراهیم میفرمایند یک چاره شده است که رفع اشکال را مینماید و آن قسمت آخر این ماده است که گفته ایم هر گاه در ظرف دو ماه بعد از اخطار اهل محل

انتخاب نکردند مجلس شورای ملی از بین ده نفر اولی که نسبة اکثریت داشته اند بکنفر را انتخاب خواهد کرد ولی اینکه مطلق بگوئیم مردم حق ندارند تجدید انتخاب کنند صحیح نیست منتی برای اینکه بواسطه مسامحه اهل محل مقام نماینده مستعفی خالی نماند باید یک چاره را در نظر گرفت و آن هم همین جمله آخری است که در این ماده نوشته شده است که اگر اهل محل در ظرف دو ماه انتخاب نکردند مجلس شورای ملی از میان آن هائیکه در انتخاب اول دارای اکثریت نسبی بوده اند بکنفر را انتخاب میکند.

آن اشخاص که بعد از این و قبل مستعفی دارای اکثریت بوده اند باید معین بشوند و بیانند مجلس پشنهادی هم عرض کردم .

ذکاء الملک - ترتیب انتخاب مجلس را که بموجب همین ماده موقوف کردیم و اینکه میفرمایند از میان آن اشخاصی که دارای اکثریت بوده اند هر کدام نسبتاً بیشتر اکثریت داشته است معین بشود و بیاید این مسئله هم در کمیسیون مذاکره شد یک ملاحظه ما کردیم بآن واسطه نتوانستیم از پیش معین بکنیم و بگوئیم مردم که هرگاه یک نماینده استعفا کرد کی بجای او معین میشود برای اینکه ملاحظه کردیم دیدیم که فرضاً در خراسان که ده نفر باید انتخاب بشوند بعد از آنی که انتخاب شدند لابد کسانی خواهند بود که اکثریت در پاره او حاصل شده است و اگر بنا باشد این ترتیب را که آقای مدرس میفرمایند اختیار بکنیم از روز اول معلوم است که هرگاه یکی از این ده نفر استعفا دادند شخصی که بعد از او دارای اکثریت نسبی بوده است کیست و این ممکن است اسباب بروز بعضی معایب بشود نظر باینکه خود این شخص میدانند که ممکن است او نماینده ملت بشود و بعضی ترتیبات پیش بیاید به همین جهت ما گفتیم که در صورتیکه یک نفر از نمایندگان استعفا یافت نماینده عوض او را مجلس از بین اشخاصیکه بعد از او در انتخاب دارای اکثریت نسبی بوده اند منتخب نمایند تا اینکه رفع این اشکال هم شده باشد و هم مردم بدانند که آن کسیکه بعد از استعفا یک نماینده بجای او معین میشود کیست .

حاج عزالممالک بعد از آنکه آن ماده از مجلس گذشت و تصویب شد که انتخابات کلیه بطور یک توجه و مستقیم است به عقیده بنده دیگر این ماده غلط خواهد بود او هیچ صحیح نخواهد بود که مجلس نماینده انتخاب کند و مخصوصاً ما باید حتی الا مکان سعی کنیم که نماینده از طرف خود ملت و با انتخاب آن ها باشد و به همین ترتیب بنده یک پیشنهادی تقدیم کردم که اگر یکی از نمایندگان استعفا یافت نماینده خود اهالی یعنی موکلین او بکنند بجای او معین میکنند .

ذکاء الملک - این ماده را هم برای همین ترتیب دادیم که حق انتخاب نماینده با مردم باشد و مجلس شورای ملی حق ندارد که برای مردم نماینده انتخاب کند و لکن اگر موقع باشد که این ترتیب را تا آن درجه آخر اجرا بکنیم یعنی در این چندماه آخر دوره تقنینیه هم هرگاه یکی از نمایندگان استعفا یا فوت کرد بگوئیم ملت بجای او معین میکنند امکان ندارد و در هیچ جا هم این ترتیب نیست یعنی در اکثر از مالکی که انتخابات را مستقیم و یک درجه اختیار کرده اند که از جمله آن ها فرانسه است بنده اطلاع دارم این ترتیب را قبول کردند که در آخر دوره تقنینیه هرگاه یکی از نمایندگان بواسطه استعفا یا فوت از مجلس رفت خود مجلس یکی را بجای او معین میکند چرا بجهت اینکه اگر بنا باشد اهالی بجای او انتخاب بکنند وقوع این انتخابات از روزی که اعلان شود تا روزیکه نتیجه بدست بیاید سه ماه طول خواهد کشید و آن وقت هم بی فایده خواهد بود مثلاً وقتیکه سه ماه باخر دوره تقنینیه مانده باشد و در کرمان بخواهند یک نماینده انتخاب بکنند ملاحظه بفرمایند که چه

اشکالاتی دارد آیا راضی میشوید آن نماینده که از برای ۹ ماه بیاید بطهران و یک مسافرت طولانی بکند و بعد از آن مراجعت بنماید یا میشود یا اینکه میدانید در آخر دوره تقنینیه بسیار اتفاقات ممکن است برای نمایندگان بیفتد که خیلی از آن ها استعفا بدهند و نباید طوری کرد که مجلس از اکثریت بیفتد پس بواسطه ملاحظه همین محظورات در اغلب از جاها اینطور قرار داده اند که مجلس انتخاب بکند حالا اگر در این جا آقایان شش ماه را زیاد میدانند ممکن است کمتر قرارداد لکن اگر بخواهند بکلی این ترتیب را موقوف بکنند امکان پذیر نخواهد بود و برای یک عیب چهار صد عیب خواهیم شد

لواءالموله - ممکن است آن صورتی که از طرف انجمن نظرات بمجلس می آید صورت اسمی اشخاصیکه بعد از نمایندگان آن محل دارای اکثریت نسبی بوده اند نوشته شود آن صورت در مجلس هست وقتیکه یک همچو قضیه اتفاق افتاد از طرف مجلس اطلاع بدهند که چون این نماینده استعفا داده است نانی او بیاید و یک وقت هم هست که نماینده در محل است بگوئیم که انجمن نظارت بجای او نانی او را معین نماید و اما اینکه در مجلس استعفا یا فوت کند باید رجوع کرد بصورت مجلس انجمن و آن کسی را که بعد از او اکثریت داشته است او را خواست و اما در خصوص منتهم بنده عقیده ام اینست که نوشته شود سه ماه باخر دوره تقنینیه مجلس حق دارد انتخاب بکنند شش ماه زیاد است .

افتخار الواعظین - همین قسمی که آقایان در نظر دارند که انتخاب حق ملت است و مجلس شورای ملی حق ندارد که از برای مردم وکیل انتخاب کند در نظر من داشته باشد همان شکلی که آقای مخبر فرمودند که قریب باختتام مجلس عمده زیادی از نمایندگان مسافرت کردند یا استعفا دادند و مجلس کارش بجائی برسد که هیچوقت اکثریت حاصل نشود آن وقت چه باید بشود این جا باید رفع هر دو محظور بشود بهترین شکلی که رفع این محظور را می بینم همان شکلی است که در خود کمیسیون رأی داده شده است اگر پیش از شش ماه دوره تقنینیه مانده باشد البته اطلاع میدهند بمجلس و در مجلس هم باید انتخاب نازری بشود بجهت اینکه این مدت که فاصله است بین انتخاب اول و انتخاب ثانی خیلی احتمال قوی می رود که عقاید اهل محل با نظریات مردم نسبت بآن شخصی که انتخاب کرده بودند تغییر کرده باشد و بخواهند یک شخصی را انتخاب بکنند که آن وقت در نظر نداشته اند هیچ نباید بآن ها گفت که بعد از این وکیل مستعفی اشخاصی که دارای اکثریت نسبی هستند او را انتخاب کنند و اگر چنانچه کمتر از شش ماه مانده باشد از برای اینکه اکثریت مجلس محفوظ باشد و از برای اینکه مجلس شورای ملی هم اسباب تمطیلش فراهم نشد باشد خود مجلس انتخاب میکند منتهی معلوم است مجلسیکه میخواهد انتخاب بکند نظرش باید باین باشد که از همان منتخبین محل انتخاب بکند والا اگر بغیر از این باشد در اوقات قریب باختتام بنده احتمال میدهم که مجلس هیچوقت حائز اکثریت نشود .

بجهت - در این ماده سه فقره هست یکی در

کردیم دیگر لازم نیست که مجلس ده نفر را از بین آن ها انتخاب بکند و ممکن است پنجاه رأی داشته باشد و بمجلس هم که حق مشروعی دادیم آن پنجاه رأی را انتخاب بکنند پس بنا بر این تفریس عرض میکنم که همان شخصیکه اکثریت داشت انتخاب بشود آن قیسی را که بعد خواهیم کرد که آن شخص دارای اکثریت از یک ربع آراء نباشد ممکن است که آن قید را همینجا بیآوریم تا آسوده باشیم .

دکتر رضا خان - بنده خیلی تعجب می کنم از آقایان نمایندگان که اصرار دارند که در اینجا اکثریت نسبی را سند بگیرند که بعد از آنکه نماینده اول استعفا داد او را انتخاب نمایند و باید بدانند آن عده که برای وکیل اول رأی داده اند برای دومی رأی نداده اند فرضاً دو نفر وکیل در یک مجلس انتخاب شد یکی دارای پانصد رأی بوده یکی دارای شصت رأی بوده آن شصت رأی بعد از یک ماه استعفا داده آن وقت باید پانصد رأیی بیاید آن شصت نفر که نمرده اند نمیتوانیم باقیلت اینجا حق بدیم آن پانصد نفر بعد از بگوئیم در حق یک کسی رأی بدهد و آن شصت نفر را بگوئیم نباید رأی بدهد اگر اکثریت راست می گوید و باید وکیل از طرف ملت باشد باین ملاحظه اکثریت را بکنند و این بکلی اشتباه است هم برای آقای مدرس اشتباه است هم برای سایرین اینک میفرمایند در آنجا باید اکثریت نسبی راست گرفت و آن آدم را خواست در حقیقت حقوق اکثریت پایمال شده است اگر به آن ها حق انتخاب داده شود آیا جایز است که باقیلت بدیم و حق اکثریت پایمال شود بنده که بکلی با این ترتیب مخالفم

آقا سید حسین اردبیلی - بنده در هر حال صریح نیست مجلس بجای مستعفی یا متوفی نماینده انتخاب کند حالا که میگویند که یک محظوری بر میخورند مثلاً میگویند چون مدت زیادی باخر دوره تقنینیه باقی مانده شاید عده زیادی از نمایندگان کسر بشوند اینهم منطقی نیست بجهت اینکه همیشه یک عده معینی در مجلس حاضر نیست که حتماً باید آن عده موجود باشند فرضاً مل تسبیح کصد داده است که اگر یکدانه آن کسر باشد ناقص است اینطور که نسبت زیرا که مجلس در بدو امر وقتی تشکیل میشود باید یک عده کفانونا برای تشکیل کافی است حاضر باشند در ظرف آن مدت دوره تقنینیه از آن عده اولی یک مقدار مهمی زیاد شده است حالا فرض میکنیم یک نفر استعفا کرده آن عده آیا از کمایت افتاده است آن عده که از برای تشکیل مجلس کافی بوده کاز میان نرفته بلکه از آن عده که علاوه بر مقدار کافی قبلاً موجود بوده بکنند کسر شده حالا میخواهیم بجای آن مستعفی یا متوفی انتخاب بکنند که صندلی او خالی مانده بنده عرض میکنم که فرضاً خالی بماند بهتر است تا آنکه نماینده کاز طرف ملت انتخاب کنند آن صندلی را اشغال کرده باشد بنده ترجیح میدهم که صندلی مجلس از آن نماینده که حقیقتاً از طرف ملت انتخاب نشده است خالی نمایند و مشغول نشود بیک کسیکه ملت حقیقتاً او را انتخاب نکرده است و اینکه میفرمایند از عده کسر میشود این اهمیت ندارد زیرا کاز عده کافی چیزی کسر نشده است حالا فرض میکنیم یک زمان خیلی

قلبی مانده است باخر دوره تقنینیه و اگر واقعاً آن یک نفر دو نفر که استعفا کرده اند بجای آنها انتخاب نشود نزدیک است که آن عده برای تشکیل مجلس لازم است و آن عده که برای مذاکره و رأی لازم است ناقص بشود آنوقت بنده عقیده ام این است که مجلس نباید یک نفر خودش انتخاب بکند یعنی باید از مجلس باز از میان آن عده که نسبتاً حائز اکثریت بوده است از آنجا انتخاب بکنند آنهم در صورتی است که اگر اهالی انتخاب بکنند آن خلی اسباب طول یا تعطیل بشود و در اینصورت چون اگر مجلس این انتخاب را نکند حقوق سایر نمایندگان ملت و حقوق قسمت عدم ملت بواسطه تشکیل یافتن مجلس از میان میرود ناچار باید انتخاب کرد که عده کافی برای تشکیل مجلس موجود باشد چون در اینصورت هم که مجلس انتخاب میکند از میان کسانی است که در محل انتخاب دارای اکثریت نسبی بوده اند پس می توان گفت که آن نماینده نماینده ملت است زیرا که طرف تمایل و توجه ملت بوده است این است که بنده یک پیشنهادی کرده ام که بجای نماینده متوفی و مستعفی از طرف اهل محل انتخاب شود مگر در صورتیکه بر فرض تأخیر انتخاب عده برای تشکیل کافی نباشد در اینصورت باید مجلس انتخاب بکند در آن صورت باز هم از بین اشخاصی که نسبتاً حائز اکثریت بوده اند انتخاب نمایند

رئیس - خاطر آقایان را متذکر میکنم که این شور اول است باز در شور ثانی هم ممکن است مذاکره کرد شش فقره پیشنهاد است قرائت میشود (پیشنهاد های مذکور بترتیب ذیل قرائت شد)
۱- از طرف آقای آقا میرزا احمد قزوینی بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۶ این قسم نوشته شود ماده ۵۶ - هر گاه یکی از اعضاء مجلس شورای ملی مستعفی یا متوفی شود لابد از طرف ملت با انتخاب جدید نماینده دیگر انتخاب میشود
۲ - از طرف آقای اردبیلی « بجای نماینده مستعفی و متوفی از طرف اهل محل انتخاب میشود مگر اینکه در صورت تأخیر در انتخاب عده نمایندگان موجود برای تشکیل مجلس کافی نباشد در اینصورت مجلس بجای نماینده مستعفی و متوفی از میان کسانی که نسبتاً حائز اکثریت بوده اند انتخاب می کند »

۳ - از طرف آقای حاج آقا « بنده پیشنهاد میکنم که جمله اول ماده ۵۶ بجای مجلس شورای ملی بکنند بجای او انتخاب میکنند نوشته شود) مجلس شورای ملی بکنند از بین ۵ نفر از اشخاصی که در انتخاب معنی بالنسبه حائز اکثریت بوده اند انتخاب میشوند .

۴ - از طرف آقای حاج عزالممالک ماده ۵۶ هر گاه یکی از اعضاء مجلس شورای ملی مستعفی یا متوفی شود اهل محل بجای نماینده مستعفی یا متوفی خواهد کرد .

۵ - از طرف آقای آقا سید حسن مدرس بنده پیشنهاد میکنم بجای ماده ۵۶ نوشته شود هر گاه یکی از اعضاء مجلس شورای ملی مستعفی یا متوفی شود بمجلس او کسیکه در محل بعد از او حائز اکثریت است از برای عضویت مجلس شورای ملی معین خواهد شد .

۶ - از طرف آقای معزز الملک ماده ۵۶ هر گاه یکی از اعضاء مجلس شورای ملی مستعفی یا متوفی شود اگر بیش از ۳ ماه باقی نماند دوره تقنینیه باقی مانده باشد انتخاب عوض مستعفی یا متوفی یا خود اهل محل است ولی در صورتیکه در ظرف ۳ ماه از زمان اخطار در محل انتخاب نکرده اند مجلس حق خواهد داشت خودش عوض مستعفی یا متوفی را انتخاب کند .

رئیس - این اصلاحات فرستاده میشود بکمیسیون یک اصلاحی هم رسیده است ولی اعضاء ندارد (آقا محمدزاد بنده است) اصلاح مزبور بمسئول ذیل خوانده شد (بنده در ماده ۵۶ نظامنامه انتخابات پیشنهاد میکنم چنین نوشته شود اگر شش ماه کمتر باخر دوره تقنینیه مانده باشد آلی آخر

رئیس - ماده ۵۷ قرائت میشود (ببارت ذیل خوانده شد)
ماده ۵۷ - هر نماینده که تا ۶ ماه بعد از انتخاب بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود از نمایندگی مستعفی خواهد بود

حاج شیخ علی خراسانی - این ماده را که کمیسیون پیشنهاد کرده است نظریات اشکالی بود که در بعضی از مواد پیش آمد که یک نفر بسمت نمایندگی معسر فی شد و بعد نه استعفا اومین شد و نه نمایندگی او بنده شش ماه را برای این مطلب زیاد میدانم به ملاحظه اینکه ملک ما تقاضا ندارد که شش ماه مجلس نداشته باشد ممکن است در ابتداء که نمایندگان انتخاب میشوند نظر به همین ماده که ۶ ماه اگر نرفتم عیب ندارد بر بیایند این است که بنده پیشنهاد کرده ام که ۴ ماه بس است و این مورد تنها برای این کافی نیست مانظیر این یک اشکال دیگر هم دیدیم و آن این است که بعضی نمایندگان بدون اجازه مجلس شورای ملی غیبت مینمایند و ۶ ماه یکسال هم میکنند نه حضور بهم میرسند و نه استعفا میدهند چون ممکن است که یک وقتی ده نفر یا بیست نفر را بکنند مجلس هم از اکثریت بیفتد آنوقت نمیتوانیم عوض آنها انتخاب بکنیم و نه از نمایندگی استعفا داده اند و نه اهل محل میتوانند بجای آنها انتخاب بکنند لهذا بنده پیشنهاد کردم که در هر صورت چهار مجلس غیبت میکنند ۴ ماه حاضر نشوند و چهار اول ۴ ماه تأخیر میکنند و استعفا ندهند مستعفی خواهند بود .

ذکاء الملک - در فرمایش اولشان جواب عرض نمیکند و در کمیسیون هم مذاکره شد که به پیشین ۴ ماه کافی است یا کافی نیست اما در مسئله دریم هم این مسئله مذاکره شد و شاید یک چنین ترتیبی اختیار کردن جایز نباشد اگر بموجب غیبت و مسافرت نمایندگان بدون اجازه غائب بشوند این ربطی به نظامنامه انتخابات ندارد اگر یک همچو چیزی لازم است باید در نظامنامه داخلی مجلس نوشته شود .
معزز الملک - بنده تصور میکنم که این ماده بکلی زیاد است و هیچ نوشته نشود بهتر است بجهت اینکه نمیتوانیم یک چنین ماده قانونی بنویسیم و اینکه نمیتوانیم یک چنین ماده قانونی بنویسیم برای این است که باید رجوع کنیم بخود این ست نمایندگی که به پیشین فائده نمایندگی چیست نماینده کسی است کاز طرف مردم انتخاب میشود

بجهت حفظ حقوق موکلین خودش او مکلف است که حقوق موکلین خود را حفظ کند و بکلی آزاد و مختار است حالا اگر او یک نماینده است که باین درجه هم حاضر نمیشود لذا برای حفظ حقوق موکلین خودش که به مجلس بیاید البته بر خود موکلین او است که او را حاضر بکنند که در مجلس شورای ملی حاضر بشود ولی غلبه حال هیچکس نمیتواند یک قانونی بگذارد که نماینده را از حال آزادی و اختیار خارج کند و یک حدی برای او معین بکند که اگر تا فلان مدت نماینده حاضر نشد از نمایندگی مستعفی است بجهت اینکه مجلس شوری او را بنایندگی انتخاب نکرده است تا اینکه یک قانونی بگذارد که اگر او نیامد از نمایندگی مستعفی باشد بلکه چنانچه قانون ملکیتی ماست مردم او را انتخاب کرده اند و میکنند برای یک شغل معین و هیچکس نمیتواند که معین است نمیتواند او را از شغل خودش منصرف نماید و خارج بکند .

حاج آقا - بنده این اشکالات آقای معز الملک را نتوانستم بفهم بواسطه اینکه می فرمایند یک جماعتی یک نماینده را انتخاب میکنند و آن منتخب ملت است و نماینده ملت میشود بدیهی است که جماعتی که یک نفر را انتخاب میکنند برای این است که حافظ حقوقشان باشد ولی اگر آن جماعت دیدند آن شخص را که انتخاب کرده اند نمیتواند ادا تکلیف و وظیفه خودش را بکند و حاضر شود برای حفظ حقوق خودشان نباید هیچ تخصیص هیچ راه چاره داشته باشد که از دست او استخلاص پیدا بکنند این چیز غریبی است که اگر یک کسی را انتخاب کردند دیگر بهیچوجه موکلین او حق ندارند در هر جهت مختار است و نماینده و وکیل آنها است بدون این که یک ذره در حفظ حقوق موکلین خودش کوشیده باشد و تکالیف خودش را انجام داده باشد بنده تعجب میکنم که در صورتیکه نماینده بوظیفه خودش عمل نکرده باشد چگونه اسم او را نماینده بگذارند برای اینکه در این صورت او هیچ نماینده نیست یکی از افراد مردم است که باید دیگری حفظ حقوق او را بکند نه اینکه او حفظ حقوق دیگران را بکند و بنده اساساً یک همچو مطلبی را لازم میدانم که نوشته شود اگر یک نماینده تا یک مدتی بوظیفه خودش عمل نکرد و معین شد که کامل بوظایف نمایندگی خودش نیست از نمایندگی خارج بشود ولی یک وجه قانونی نه اینکه بگویند که او مصون است ولو اینکه هیچ عمل بنایندگی خودش نکرده باشد بجهت اینکه ملت باید صفای باطنی و یک صفای قلبی یک شخص را محل اطمینان و وثوق خودشان قرار داده اند بنده که معلوم شد و ملت شدند کاین اید در مقام حفظ حقوقشان نیست آن وقت چه باید کرد باید بگوئیم که حقوق آن جماعت آن قسمت از مملکت بکلی از انتخاب ساقط است این خیلی مشکل است برای یک نفر و توضیح حقوق یک قسمت مردم را نمیتوان کرد و بنده اساساً این را خیلی لازم میدانم و چون نوشته شده که بدون عذر موجه خوب است نوشته شود همین قدر که نتواند بیاید در مجلس شورای ملی و شش ماه و چهار ماه راهم بنده خیلی زیاد میدانم .

حاج شیخ اسدالله - بنده کلاماً موافقم با آقای حاج آقا و ششماه راهم زیاد میدانم ولی اینکه فرمودند آقای معز الملک بعد از آنکه یک شخصی وکیل شد و از طرف ملت معین شد بهر نوع باید آزاد باشد و ممکن است در خارج مجلس حفظ حقوق موکلین خودش را بکند بنده ایضا تصدیق ندارم بعد از آنکه این شخص داخل مجلس و داخل سیاست نشد این چطور میتواند حفظ حقوق موکلین خودش را بکند حفظ حقوق این نیست که برود در خانه اش بنشیند این توضیح حق است نه حفظ حقوق .

رئیس - شما گفتید مخالف با این ماده هستم و اظهارات شما موافق با این ماده است .

حاج شیخ اسدالله - بنده مخالف با ماده هفتم و هفدهم از زیاد میدانم و عقیده ام این است که هر چه مدت را کمتر به کنیم بهتر است ولی در ۳ ماه عرضی ندارم و سه ماه را باید قرار داد که اگر سه ماه گذشت و حاضر نشد بمجلس شورای ملی آن وقت از دست نمایندگی منصرف خواهد بود آن مطلبی راهم که آقای حاج شیخ علی گفتند و آقای مغیر فرمودند که این راجع به نظامنامه انتخابات نیست بنده عرض میکنم اگر چه از حیثی راجع به نظامنامه انتخابات نیست ولی از حیثی راجع به نظامنامه انتخابات است و باید اینجا نوشته شود که اگر نماینده مجلس آمد بدون اجازه و مرخصی غیبت کرد و غیبت او سه ماه طول کشید بلکه سه ماه راهم در این مورد زیاد میدانم و عقیده ام این است که اگر یک عمامه و نیم بدون اجازه مرخصی غیبت کرد باید از نمایندگی استعفا بدهد و به همان ترتیبی که در محل دیگر آن اکثریت بعد از این شخصی داشته اند یعنی آن کسیکه بعد از این بالنسبه بسا برین اکثریت داشته است البته آن نباید عوض این بیاید به مجلس و نماینده محسوب خواهد بود و در مخالفت با آقای معز الملک اعتراضات زیادی داشتم اینکه عرض نکردم بجهت این بود که می فرمودند موافق با این جهت سایر اعتراضات خود را عرض نکردم .

لواء الدوله - عرض کنم نماینده که از طرف ملت انتخاب میشود همان نظریه آقای حاج آقا فرموده مردم او را شناخته اند با اعتیاد پیدا کرده اند آن را انتخاب کرده اند حالا بعد از آنکه او معین شد باید مجلس را بلا تکلیف نگذارد ۶ ماه ۷ ماه و می بگویند خواه رفت آن وقت ممکن است از این یکصد و بیست نفره لازم همه به همین حرفها حاضر نشوند و مجلس ۶ ماه دیگر افتتاح نشود و بنده پیشنهادی هم کرده ام و چون بعضی تقاضای هم هست که یک ماه چهل روز راه است آن وقت آن نماینده تا اسباب مسافرت خودش را تهیه کند و حرکت بکند و بیاید سه ماه طول میکشد باینجهت بنده سه ماه را معین کرده ام که اگر سه ماه گذشت نماینده از نمایندگی منصرف است و مردم باید بجای آن از مجلس انتخاب بکنند .

حاج سید ابراهیم - بنده آن فقره آخر را که پیشنهاد کرده ام خیلی لازم میدانم بجهت اینکه نظامنامه انتخابات تعیین حدود انتخابات و منتخبین را میکند و وظیفه اش اینست که بگوید نماینده چطور انتخاب میشود و مدت انتخابش چقدر است و کسی خارج خواهد شد و کی خواهد رفت و هیچ ربط هم

بنظامنامه داخلی ندارد در همین نظامنامه انتخابات که مجلس منویس باید نوشته شود بطوریکه بنده پیشنهاد کردم که اگر بدون عذر موجه تا دو ماه غیبت کرد از نمایندگی خارج است و بجای او باید دیگری بیاید خدمت بکند و الا بجهت اینکه او حاضر شد یک ماه یا دو ماه خدمت کرد آن وقت باید در ۲۳ ماه دیگر حقوق موکلین خودش و ملت را توضیح بکند و نه معلوم شود که این شخص وکیل است نه معلوم شود که نیست و مردم تکلیف خودشان را ندانند و بدون عذر موجه غایب شود در این صورت بنده عقیده ام اینست که این از سمت نمایندگی خارج است و بجای او دیگری را باید بیآورند انتخاب بکنند اینجا آقای معز الملک اشاره فرمودند با تفکر عامه افکار عامه که نمیتواند وکیل عزل بکند باید در اینجا معین نمایندگی معزول است از وکالت کی مستعفی است آن پیشنهادی را هم که بنده کرده ام بخوانند تا اینکه معلوم بشود انکار آقایان .

آقای میرزا احمد - آقای حاج سید ابراهیم اولاً قدری خارج شدند از موضوع موضوعی که مطرح است این است که بعد از آنکه کسیرا بسمت نمایندگی انتخاب کردند قبل از آنکه بمجلس بیاید اگر ۶ ماه تأخیر کرد در آمدن مجلس حکمش چیست و این راجع به نظامنامه انتخابات است و آنکه ایشان میفرمایند که بعد از آنکه یکماه فرضاً آمد بمجلس و بعد بدون اجازه مرخصی غیبت کرد آن راجع به نظامنامه داخلی است که آقای مغیر فرمودند و گذشت اما این مطلب اساساً ربطی بمجلس ندارد نماینده و وکیل را باید واگذار کرد حقش را بکلیت او یعنی عزل او را باید رجوع کرد بکلیت او بعد هم مجلس میتواند معین بکند که حق آمدن او بمجلس کی خواهد بود و حق رفتن او کی خواهد بود آن ترتیبی که راجع بیه از ورود بمجلس است حق مجلس است که تعیین تکالیف در آنها میکند و اموریکه راجع بخارج مجلس است آن نسبت بمجلس در واقع اجنبی است و یک اجنبی نمیتواند او را محدود بکند نماینده قبل از آنکه وارد بمجلس شود و بعد از آنهم که وارد مجلس شد در اصل انتخاب او مجلس اجنبی است با دو یک اجنبی نمیتواند او را معزول بکند بجهت اینکه انتخاب با او نبوده تا اینکه اختیار عزلش با او باشد و این حق متعلق بآنها است که او را وکیل کرده اند دیگری حق دخالت در وکالت او ندارند همان طوری که آقای معز الملک فرمودند این خیلی نادر الوجود است و کم اتفاق می افتد که آمدن یک وکیل بدون عذر موجه ۶ ماه طول بکشد و نباید و بر فرض هم اتفاق بیفتد بمجلس حق ندارد که او را بخواند یا شرطی قرار بدهد برای او که مستعفی باشد تا ملت تقاضای عزل او را بکند بعد از آنکه ملت تقاضای عزل او را بکند بعد از آنکه ملت تقاضای عزل او را بکند او معزول میشود اما بدون اینکه ملت این تقاضا را بکند مجلس حق رد کردن انتخاب و معین کردن حکم استعفاء برای او را ندارد .

ذکاء الملک - بنده شخصاً اصراری باینماده ندارم و همین طوریکه آقای آقامیرزا احمد فرمودند این خیلی نادر الوقوع است اما در خصوص اینکه میفرمایند مجلس حق ندارد که این حدود را معین

بکند و این مسئله از وظیفه مجلس نیست باین اندازه هم مجلس بی حق نیست نسبت با و چطور میفرمایند که مردم او را انتخاب کرده اند حق عزل او را دارند لکن یک مجلس حق ندارد که او را معزول کند اولاً اینکه بزم حق داده نمیشود که یک نفری را که انتخاب کرد او را معزول بکند تا آنجا که شما چطور حق میدید بمجلس شورای ملی از تصدیق و عدم تصدیق نمایندهها یک نماینده همانطوریکه حق میدهد بمجلس که نمایندگی کسی را که انتخاب کرده اند تصدیق یا رد بکند یعنی تصدیق بکند صحت انتخاب و عدم صحت انتخاب آنها را همینطور هم باید بتواند در موقع لازم او را عزل بکند یعنی قانون او را عزل میکند مجلس قانونی وضع میکند که بموجب آن قانون در مواقع مقرر مستعفی شود علاوه بر این گفتگو در اینجا نیست که یک شخصی یا چند نفری بیایند او را معزول بکنند قانون او را معزول میکند و قانون راهم گنیم یعنی رای ملت شاموتی که قانون منویس معین میکند کسی را که مردم انتخاب کردند باید در ظرف فلان مدت حاضر شود در مجلس اگر حاضر نشد بایستی استعفا بدهد بجهت این که میدانم این قانون را و اگر استعفا نداده معلوم میشود که نخواست است کتباً استعفا بدهد و خواسته است عمل استعفا بدهد پس نباید آنقدرها انتخابش بکنند که مجلس حق ندارد و نمیتواند حکم بکند که یک نماینده مستعفی بشود مجلس حکم فردی یا خصوصی نمیکند بموجب قانون که خود قانون حکم میکند که هر گاه نماینده تا شش ماه بعد از انتخاب حاضر نشد معلوم میشود که لیاقت نمایندگی ندارد و بخودش هم زحمت نمیدهد که استعفا نامه بنویسد قهراً مستعفی شده است ولی بنده شخصاً اصراری باین ماده ندارم بجهت اینکه امر نادر است نه اینکه نتوانیم یک چنین چیزی را بنویسیم .

رئیس - گویا مذاکرات کافی است - چند فقره پیشنهاد شده است قرائت میشود بترتیب ذیل قرائت شد .

از طرف آقای عز الملک - بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۷ اینطور نوشته شود هر نماینده که تا سه ماه بعد از انتخاب بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود اهل محل بکنفر بجای او انتخاب خواهند کرد .

از طرف لواء الدوله - بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۷ - این نوع نوشته شود هر نماینده که پس از انتخاب بدون عذر موجه تا سه ماه در مجلس حاضر نشود نمایندگی او دیگر پذیرفته نخواهد شد و باید دیگری بجای او انتخاب شود .

از طرف حاج سید ابراهیم - بنده پیشنهاد میکنم که این عبارت با آخر ماده ۷ الحاق شود - و هر نماینده که بدون اجازه از مجلس شورای ملی غایب باشد مستعفی خواهد بود .

از طرف آقای مدرس - بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۷ بموض بدون عذر موجه نوشته شود بدون اثبات معذورت خود .

از طرف حاج شیخ علی خراسانی - بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۷ اینطور نوشته شود هر

نماینده که ۴ ماه پس از انتخاب شدن بدون اجازه بمجلس شورای ملی بمجلس حاضر نشود پارس از انتخاب شدن بدون اجازه چهار ماه متوالی غیبت نمایندگانشان نمایندگی مستعفی محسوب میشود .

رئیس - این اصلاحات را میفرستیم بکمیسیون ماده ۵۸ را بخوانید بمبارت ذیل قرائت شد .

ماده ۵۸ - دو ماه با آخر هر دوره تقنینیه مانده از طرف دولت اعلان انتخابات جدید داده خواهد شد و مردم مختارند هر یک از منتخبین سابق را که خواهند دوباره انتخاب کنند .

معز الملک - میخواستم عرض کنم دو ماه کم است در اغلب اوقات چنانچه سه ماه را اتخاذ کرده ایم اینجا را خوب است سه ماه قرار بدهیم .

آقای محمد میر و جردی - این جمله اخیر که مردم مختارند الی آخر اگر چه کلمه معروفه اثبات شی نقی از مابعد نمیکند صحیح است لکن ظاهر عبارت این است که از همان منتخبین سابق باید انتخاب بکنند لفظ و غیره هم لازم است که چه از منتخبین سابق وجه غیر اینها .

ذکاء الملک - فقط مختار گمان نمیکند که کافی است بعد از آن که آن ها را مختار کردیم معنی اختیار این است که چه از اینها چه از غیر اینها .

افتخار الواعظین - بنده میخواستم سؤال کنم که آیا این مدت دو ماه که اعلان انتخاب داده خواهد شد آیا در این مدت مجلس شورای ملی منعقد است یا منعقد نخواهد بود اگر مجلس شورای ملی منعقد است و مردم مشغول بانتخاب میشوند بنده عقیده ام این است که یک قدری آزادی مردم را تهدید میکند ولی چنانچه در موقع انتخاب مجلس منعقد نیست خوب است تصریح بشود .

ذکاء الملک - مجلس شورای ملی اگر انفصال قانونی پیدا نکرده باشد یقیناً منعقد خواهد بود و اینکه فرمودند اگر مجلس شورای ملی در موقع انتخابات منعقد باشد آزادی مردم را سلب خواهد کرد این را ملتفت نشدم که چطور آزادی مردم را سلب میکند مجلس شورای ملی و افراد نمایندگان ملت که با مردم جنگ نخواهند کرد ما اینجا نشستیم و مشغول کار خودمان هستیم مردم هم مشغول انجام انتخابات هستند چه در اینجا چه در سایر ولایات و بهیچوجه سلب آزادی از اینها نمی شود و باید مردم لا اقل دو ماه قبل از انقضاء دوره تقنینیه شروع بانتخاب بکنند که بعد از آنکه دوره تقنینیه تمام شد بلا فاصله یا بلا واسطه کمی بیایند و مجلس دوباره منعقد شود بکنفرمایش آقای معز الملک راهم بنده تصدیق میکنم که دو ماه کم است در سایر جاها دو ماه قرار میدهند ولی در اینجا نظیرش را داریم در انتخابات دفعه سابق همین مجلس که منعقد شد از روزیکه اعلان انتخابات دادند تا وقتی که مجلس منعقد شد کمتر از چهار ماه طول نکشید پس این بنده عرض میکنم دو ماه مدت زیادی نیست و حتماً باید باشد .

آقای میرزا احمد - اعلان کردن دو ماه قبل از انقضاء دوره تقنینیه خیلی خوب است لکن با قانون اساسی گویا یک منافعی داشته باشد بواسطه اینکه در قانون اساسی میگوید که پس از انقضاء مدت دو

سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و اینکه دو ماه قبل از انقضاء اعلان داده شود عیب ندارد لکن اگر شروع راهم دو ماه قبل بخوانند قرار بدهند این مخالف خواهد بود با چیزی که در قانون اساسی است بواسطه نظر قانون اساسی باینجهت که شروع بانتخابات بعد از انقضاء دوره تقنینیه کدو سال باشد اما اگر اعلان بانتخاب دو ماه قبل بشود و شروع بعد از انقضاء مدت دو سال باشد عیب ندارد اما اگر قبل از انقضاء دو سال شروع شود منتخب مطابق قانون اساسی منتخب نیست و انتخابات صحیح نیست .

ذکاء الملک - گمان میکنم که ماده قانون اساسی صریح خواهد بود باینکه شروع بانتخابات هم باید بعد از انقضاء دوره تقنینیه باشد مقصود قانون اساسی این است که بعد از انقضاء مدت دوره تقنینیه که دو سال است نمایندگان جدید باید بیایند به مجلس و مادامیکه این دوره تقنینیه تمام نشده است نمیتوانند که بیایند به نشینند و اگر هم آمدند نمی توانند مداخله در امور وکالت و نمایندگی نمایند .

محمد هاشم میرزا - اینکه آقای مغیر فرمودند که مراد از شروع شروع بانتخابات است نه با اعلان اینطور نیست بجهت اینکه اگر همین طور بود یک لفظ دیگر از برای رفع بار توهمات لازم داشت و اینکه بطور اطلاق و گذاشته است معلوم میشود که شروع بانتخابات بعد از ختم دوره تقنینیه باید بشود و اعلان بانتخابات دو ماه قبل از انقضاء مدت دوره تقنینیه ممکن است .

دکتر حاج رضا خان - اینکه در تمام جاها استخراج آراء انتخاب را بعد از ختم دوره تقنینیه گذاشته اند برای این است که وکیل امپدواری داشته باشد و با کمال صمیمیت کار بکند چون واضح است وقتی یک وکیل و کبلی اینجا نشسته است از خراسان و یک وکیل دیگر خراسان هم در خراسان است و دو تا وکیل پیدا کرده یکی در اینجا یکی در آنجا آن وکیل که در اینجا هست از روی صمیمیت کار نخواهد کرد .

ذکاء الملک - اولاً امپدواریم که نمایندگان ملت از روی وجدان کار بکنند و اگر از روی یک امپدویم و وجدانی باشد و اما اینکه فرمودند بانتخابات بعد از انقضاء دوره تقنینیه شروع میکنند در سایر جاها هیچ اینطور نیست و آنچه بنده اطلاع دارم مخصوصاً در فرانسه قبل از انقضاء دوره تقنینیه شروع بانتخابات میشود در صورتیکه در آنجا هم مدت عملیات انتخابات خیلی کم است از روزی که اعلان انتخابات داده میشود ۳ روزیکه انتخابات تمام میشود شاید یک ماه طول بکشد و مسلماً هم اگر تمام نمایندگان در قبل از انقضاء آن دوره تقنینیه معین نشده است بعضی از آنها معین شده اند و اینکه میفرمایند دوره نماینده خراسان در یک موقع معین واقع میشوند اینطور نیست بجهت اینکه آن شخصی که تازه منتخب شده است تا این دوره تقنینیه تمام نشده است نماینده ملت نیست نماینده ملت وقتی است که این دوره تقنینیه تمام بشود و نمیتواند هم بیاید به مجلس و اگر هم بیاید داخل در امور نمایندگی نمیتواند بشود پس عیبی که فرمودند در کار نخواهد بود و لازم است که افلا دو ماه قبل از انقضاء مدت شروع بانتخاب شود .

رئیس - گویا مذاکرات در این ماده کافی باشد (افاق تصدیق کردند).

رئیس - ماده اول و دوم حاضر است.

ذکاء الملک - تا روز شنبه حاضر میشود.

رئیس - عباتاً چند دقیقه تنفس داده میشود در این موقع که یکساعت و ربع قبل از ظهر است تنفس داده و مجلس مجدداً منعقد نشد

جلسه ۲۸۳

صورت مجلس یوم شنبه ۱۷ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۶

رئیس - آقای مؤتمن الملک - سه ساعت قبل از ظهر بجای خود جلوس نمودند پس از ده دقیقه مجلس افتتاح گردید.

صورت مجلس قبل را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت کردند.

(قائین جلسه قبل - بدون اجازه)

معاضد السلطنه - دکتر اسمعیل خان - معین الرعایا حاج امام جمعه - غائبین با اجازه - ناصر الاسلام - آقای میرزا ابراهیم - منتهی التجار - حاج شیخ التریس آنهاست که در وقت مقرره نیامده اند. دکتر امیرخان یکساعت و ۲۰ دقیقه - حاج وکیل الرعایا دوساعت و ۲۰ دقیقه - آقای سید محمد رضا - آقای میرزا علی اکبر خان - نیر السلطان - میرزا اسدالله - ان - نیر حضور هریک نیم ساعت - میرزا رضای مستوفی ۳۰ دقیقه - آقای میرزا یونس ۴۰ دقیقه.

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟

آقای سید محمد رضای همدانی - بنده غائب نبودم گویا بملاحظه اشتراك اشتباه شده است آقای آقاسید محمد رضای مساوات غائب بوده اند.

رئیس - چندین مرتبه عرض کردم راجع بقیبت در مجلس نباید مذاکره بشود رجوع باداره مباشرت باید نمود.

حاج سید ابراهیم - در باب مخارج مسافرت نمایندگان بنده عرض کرده بودم در مخارج انجمن نظارت اشاره بشود در صورت مجلس ننوشته اند.

رئیس - اصلاح بشود دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - ورت مجلس تصویب شد دستخطی از والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه ۱۵ شعبان ۱۳۲۶ مجلس شورایی مشروحه از هیئت وزراء عظام مبنی بر تصمیم خودشان در یولتیک خارجه و داخله باینجناب رسیده که دارای منتهی درجه اهمیت است چنانکه بتفاریق ایام مکرر خاطر نمایندگان محترم را متذکر مسائل اساسی داشته ام اینجناب را با عقیده که اظهار داشته اند کمال موافقت حاصل است در این موقع هم باز ایفا وظیفه خیرخواهی را واجب دیده مشروحه مزبور را فوراً بمجلس شورای ملی ارسال و توجیه کامل نمایندگان محترم را بمندرجات آن جلب مینمایم و مخصوصاً درخواست دارم نصایح خیرخواهانه سابقه اینجناب را بخاطر آووند که در اینصورت چه در باب یولتیک داخله و چه در باب یولتیک خارجه اظهار داشته و همیشه آرزومند بوده که این مقاصد حسنه اساسی بدست هیئت دولت جاری شده اهالی مملکت را از فوائد مشروطیت کاملاً بهره باب کنند و متأسفانه صورت پذیر نشده اینک نتایج وضویر

بواسطه غفلت از متنضبات حال مملکت بظهور رسیده و مضرات و مخاطرات آن طوری محسوس است که حاجت بهیچ گونه توضیح ندارد و البته تصدیق خواهند فرمود که در این حالت حالیه دیگر نه مجالی برای تسامح و غفلت باقی است و نه فرصتی برای تحقیق علت غفلت های سابق و فقط آنچه در این موقع واجب است این است که هر چه زودتر نمایندگان محترم با موافقت وزرای عظام برای یولتیک داخله سبک و رویه و متضمن اطمینان قلوب و آسایش عموم استحکام اساس مشروطیت و حسن جریان اصلاحات باشد اتخاذ نمایند که دوام حکومت مقتدره منصفه امکان پذیر بوده و بتوانند مصالح حقیقی و فواید عومور در نظر گرفته مقاصد ملت را بوقوع اجرا بیاورند و البته فراموش نخواهند فرمود که در این مدت که در این اختلاف و مداومت در نظریات و غفلت از عملیات قدرت دولت را طوری ضعیف نموده که غالباً قسوة اجرائیه یا دچار بحران بوده یا در زمان مقابل خود هم قوه نداشته که بکنی از وظایف خود باز مانده و امر منتهی بحالت حالیه گردیده و دوام آن منتج مضرات و مخاطرات است و اگر هر چه زود تر مملکت تغییر در سبک و رویه داده نشود بلاشک موجب ندامت کلی خواهد بود. هکذا در باب یولتیک خارجه که نهایت ارتباط را با یولتیک داخله دارد و تکلیف آن بهیچوجه ممکن نیست همینقدر اجمالاً خاطر نشان میکنم که باز برخلاف نصایح خیرخواهانه متوالی اینجناب رویه و سبکی که مناسب حال مملکت و مقتضیات حالت حالیه است اتخاذ نشده و درازیداد و تکمیل حسن مناسبات با دول متحابه اهمیتی که لازم بوده بظهور نرسیده و بعد از ورود اینجناب از حسن مساعدتی که از طرف دول متحابه اظهار شد و اینجناب تشکر آنرا نمود بطوریکه سزاوار بوده استفاده بعمل نیامده بنا بر این اکیداً زحمت میدهم که تداوم این غفلت و مراقبت در تکمیل حسن روابط و استقرار اعتماد در مراودت با دول متحابه نهایت اهمیت را دارد و چون مندرجات این مشروحه مبنی بر کلیات مسائل است البته وزرای عظام طرحی را که برای حصول این هردو مقصود مهم در نظر گرفته اند بتفصیله بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهند نمود امیدوارم که نمایندگان محترم اهمیت موقع را در نظر گرفته در تدارک مافات جد وافی نمایند. زیرا که پیشرفت امور هیچ ملکیتی خصوصاً این مملکت در حالت حالیه بدون حسن روابط خارجه امکان پذیر نیست و اگر خدای نکرده از اهمیت موقع و اهمیت این مسائل که تا کنون بکرات خاطر نشان شده صرف نظر شود صریحاً اظهار میدهم که موقع اینجناب نیز دچار نهایت اشکال شده و دیگر وجهاً من الوجوه معدوم نخواهد بود که شاهد اینحال ناگوار مملکت باشم.

رئیس - لایحه که وزراء عظام حضور والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه عرض کرده اند قرائت میشود.

لایحه مزبور عبارت ذیل قرائت شد ۱۵ شعبان ۱۳۲۶ مقام منبع رفیع نیابت سلطنت عظمی دامت شوکته

هیئت وزراء موافق مطالباتی که در این چند روزه در جریان امور و حوادث حاضر کرده اند متفقاً معروض میدارد.

که هر گاه در یولتیک عمومی مملکت از نقطه نظر داخلی و خارجی بطوریکه تا کنون رفتار شده مداومت شده قطعاً مخاطرات عظیمه در پیش خواهد بود. بنا بر این لازم میدانند که فوراً در یولتیک داخلی و خارجی تغییراتی اتخاذ شود و در این موقع مشکل با موانع پیشمار پیشرفت امور و موفقیت دولت بیشتر باشد بدیهی است اجرای این تغییرات در صورتی ممکن و مفید است که مجلس شورای ملی بطوری با هیئت دولت هم عقیده بوده و اعتماد کامل داشته باشند که جریان امور بروفق مصالح مملکت امکان پذیر باشد در صورتیکه این موافقت عقیده و اعتماد ممکن نشود چون هیچ وسیله پیشرفت در نظر ندارند مجبور خواهند بود معافیت خود را از تصدی امور استعفا نمایند عباتاً لازم دانستند این عقیده خود را بطور کلی و اساسی بمقام منبع مبارک تقدیم دارند و بعد جزئیات مطالب را در خصوص یولتیک خارجی و داخلی در صورتیکه امر فرمایند بعرض پیشگاه مبارک برسانند که بده بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود الامر الاقدس مطاع (نجف قلی بختیاری) (قوام السلطنه) حکیم الملک - مشیر الدوله - وثوق الدوله - معاضد السلطنه.

رئیس - گمان میکنم که امروز می توانیم در این لایحه مذاکره کنیم البته مجلس شورای ملی همیشه قصدش بر این بوده که در داخله تهیه موجبات آسایش عمومی را فراهم بیاورد و نسبت بدول خارجه هم حفظ روابط حسنه و مناسبات دوستانه را کرده باشد و غیر از این مقصودی نداشته است و البته هیئت وزراء هم هر چه بنظرشان خواهد آمد بطوریکه اظهار شده طرح آنرا مرزبند و می آورند نامنا کرده بکنیم ولی چون هنوز جزئیات این مسئله معلوم نیست امروز نمیشود در این باب مذاکره کنیم و اگر مخالفی نباشد همینطور از طرف مجلس جواب عرض نمایم (گفته صحیح است) دو فقره تلگراف هم رسیده است یکی از سردار لورق و یکی دیگر از تجار تبریزی برای اطلاع خاطر آقایان قرائت میشود بترتیب ذیل قرائت شد (۱) از طرف تجار تبریز بتوسط حضرات آقایان هیئت تجار زینت اقبالهم مقام منبع مجلس شورای ملی شیدانه ارکانه مفهوم اخبارات ناگوار تلگرافی دایر بحرکت وحشیانه و ناموس شکنانه محمدعلی میرزا و عبور آن منفور بظاک پاک ایران بموم اهالی معلوم از شرح اقدامات ظالمانه او صرف نظر کرده با آواز رسا و فریاد های فیورانه عرض میکنیم که مجاهدین غیور آذربایجان و جوانان رشید در حفظ مقام مقدس اسلامیت و نگاهداری استقلال مملکت با جان و مال و عرض و ناموس تا آخرین قطره خون حاضر و از جان فشانای لازمه کوتاهی نداشته در حفظ و حراست این خاک پاک که شرافت ملی و اسلامیت بسته با استقلال آنتست دست بردار نخواهیم شد و بعدی از تنفر محمد علی میرزا و اشد اعمال قبیحه او ثابت قدم هستیم که دوره محصوریت آذربایجان و آن اظهار برضادت از صفحه تاریخ محو و تاریخ مجددی شجاعت آذربایجانی یادگار ماند البته آن دولت محترم نیز که زمام

اختیاری کرو ز نفوس ایرانی را بعهده گرفته و نزد خدا و رسول مسئولیت نامی دارید در این موقع از بنل مساعدت دریغ نفرموده و عموم وطن خواهان را دعوت بمعنویت اتفاق و اجتناب از تفاق فرموده و مقرر خواهند فرمود که این عرایض خالصانه را در عموم جراید درج و انتشار نمایند

(هیئت تجار تبریز)

۲- از طرف سردار ارفع توسط نمایندگان عربستان حضور محترم رئیس و وکلای مجلس مقدس شورای ملی شیدانه ارکانه خدمات فدوی در استقرار مشروطیت و وطن خود پوشیده نیست و تا آخرین درجه در حفظ استقلال مشروطیت و خدمات ملی حاضر فرمایشات را مترصد ۱۲ شعبان خزعل

رئیس - راپورت کمیسیون قوانین مالیه البته راجع بحقوق وراثتی که از دو تومان کمتر است قرائت میشود خاطر آقایان هست که این راپورت مشتمل بر دو ماده بود ماده اول آن با اکثریت ۴۷ رأی تصویب شد و ماده دوم ارجاع شد به کمیسیون - کمیسیون ماده دوم را نظرباین که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده بود مسترد داشت و چون ماده دوم را کمیسیون مسترد نمود باید در ماده اول مجدداً رأی بگیریم از این جهت حالا یکمرتبه خوانده میشود و رأی میکنیم همان ماده اول قرائت میشود با اضافه در سال (مادمزبور عبارت ذیل قرائت میشود)

ماده ۱ - حقوق سهمی هریک از وراث که نقداً جنساً در سال از دو تومان تجاوز نکنند وزارت مالیه از طرف دولت پنج برابر مبلغ آن را نقداً بدون کم و کسر بورات داده و آن حقوق را بدستی حفظ مینمایند.

رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)

پس رأی میکنیم آقایانی که ماده اول تصویب می کنند ورقه سفید خواهند انداخت و آنهایی که تصویب نمیکند ورقه کبود اوراق رأی اخذ شده آقای حاج میرزا رضا خان آنها را بنده ۶۰ ورقه سفید شماره نمود.

رئیس - با اکثریت ۶۰ رأی از ۷۶ رأی نمایندگان حاضر تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع بقراءه غریب دزفول قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

لایحه وزارت مالیه راجع بمالیات قراء واقعه در سمت مغرب دزفول در کمیسیون بودجه مطرح مذاکره گردیده مطابق پیشنهاد وزارت مالیه مدتی است قراء مزبور خالی السکنه و قابل ادای هیچگونه مالیاتی نیست حالیه از طرف عموم علماء و مالکین و اهالی دزفول تقاضا شده است

کسر مالیات سابق ایندهات تخفیف داده شده و در عوض عسرا عیدی و محصول قراء مزبور دریافت شود نمایندگان عربستان نیز در این خصوص اطلاعات کافی داشته در کمیسیون اظهار داشتند پس از مذاکره لازمه نظر باینکه دهات مزبور فعلاً خالی السکنه و اگر مثل سابق شروع بآبادی نشود گذشته از ضرر مالیاتی امر ممیشت اهالی دزفول بواسطه عدم زراعت ایندهات در عسرت خواهد بود و تصویب ماده پیشنهاد وزیر باعث تشویق اهالی در آباد نمودن قراء مزبور

است کمیسیون بودجه عین پیشنهاد وزارت مالیه را تصویب نموده پیشنهاد مجلس شورای ملی مینماید توضیح آنکه مطابق پیشنهاد حاجی عزالمسالک لفظ (مالکی) بعد از محصول در مانده وزیر با اکثریت تصویب اضافه شود.

ماده واحده - بصاحبان قراء سزده گانه منصفه ذیل واقعه در سمت مغرب دزفول اجازه داده میشود که اقدام بآبادی آن نموده و عشر عایدی و محصول مالکی را بقایب مالیات بیرداند تا قرار مبرزی کلی داده شود - قلع طوق و سخیر - بن دار حاجی حسن - بن دار ناظر - گنجه علی ابن الحسین ده حاجی بن دار شاهی - میان چغان - شهان زواویهها بن ملا - حسین آباد - جر که سید احمد

رئیس - مخالفی هست؟

آقای میرزا احمد - بعقیده بنده این یک تغییر مالیاتی است که مستلزم تخفیف است و یک ماده در قانون انجمن ایالتی و ولایتی است که میگوید در این موارد انجمن محل باید تصویب بکنند بعد از تصویب انجمن تصویب وزرات مالیه کافی است دیگر محتاج بامتن مجلس نیست و بر حسب قانون در این موارد هیئتی که انجمن محلی تصدیق مینماید و وزارت مالیه هم تصویب بکنند کافی است دیگر نیست بمجلس بیاید.

حاج عزالممالک مخبر کمیسیون بودجه در باب تصدیق انجمن در راپورت فراموش شده است که نوشته شود در کاغذ وزارت مالیه نوشته شده است که انجمن تصدیق نمود و بعد از آن وزارت مالیه هم تصویب کرده است در این خصوص کاشکالی باقی نماند ولی اینکه چرا این بمجلس پیشنهاد شده است برای اینست که این مسئله تخفیف مالیات است و هم تغییر مالیات و وزارت مالیه نمیتواند مالیات را تغییر بدهد و نسبت بتخفیف ایندهات هم اگر آقایان ایرادی داشته باشند بنده با اجازه آقای رئیس عرض میکنم که این دهات پنجشش سال است که خالی از سکنه است و اگر بنا بشود اینجوزراعت نکنند باید نرسد و رفتگی که از شهر میریزد در آن جا یک زراعتی بکنند و همین باعث بستگی آذوقه و معاش اهل شهر شده است بطوریکه تقریباً یک قسمت از اهالی دزفول برای آذوقه خودشان محتاج هستند که در خارج زندگی بکنند و بعد از اینکه آن تقاضا از طرف اهالی دزفول و انجمن ولایتی شد وزیر مالیه سابق صلاح دانست که بایندهات تخفیف داده شود و برای تشویق قطع عشر عایدی از آن ها گرفته شود و بمجلس پیشنهاد کرد در کمیسیون که این مطلب مطرح مذاکره شد بمناسبت اینکه هیچوقت معمول نبوده و نمیشود از رعیت عشر گرفت و آن ها همینقدر میتوانند کار بکنند که آن چیزی را که بمالک میرسد بدهند لفظ (مالکی) اضافه شده که محصول مالکی ایندهات هر قدر شد یک عشر از آن بدولت برسد و عجاتاً همینکه مالکین آن جا مسوق بشوند که مجلس شورای ملی مالیات را تخفیف داده است شروع بآبادی آنجا خواهند کرد و همین اسباب تشویق آن ها میشود والا اگر بگوئیم که این تخفیف را نباید داد و مالکین مجبورند همان مالیات سابق را بدولت برسانند و این مسئله اسباب این میشود که هیچ وقت اسباب آبادی آنجا فراهم نشود بجهت اینکه یک ملک که دوست

تومان عایدی دارد و مالک آن با سستی چهار صد تومان مالیات آنرا بنده آنجا هرگز شروع بآبادی آن نخواهد کرد ولی همینکه این قانون از مجلس گذشت شروع بآبادی خواهند کرد و کم کم ایندهات آباد شد مالیات دولت هم بعد سابق خودش بالغ خواهد شد و حسین آباد عجاتاً عایدی بیشتر از مالیات آنجا است به بعضی ملاحظات برای دولت صرفه داشت جزء اینجا شد و غیر از حسین آباد بعضی نقاط دیگر هم شاید عایدی بیشتر از مالیات آنجا میشود ولی عجاتاً چهار سال است دولت مالیات نکرده است و اگر باین ترتیب بماند باز هم بدولت چیزی نخواهد رسید ولی اگر این مسئله بگذرد و رأی داده شود چیزی بدولت عاید خواهد شد و ضمناً هم ایندهات غریبی که حالا خالی از سکنه است دائر خواهد شد و مردم هم آسوده میشوند.

آقای سید حسین اردبیلی - ماده ۹۱ قانون انجمن های ایالتی و ولایتی ایچ حق را بوزارت مالیه میدهد که بتصدیق انجمن محلی تخفیف راجع بمالیات را بپذیرد و عرایض بنده همان است که آقای میرزا احدیاد آوری فرمودند و لازم میدانم که این مسئله در مجلس مذاکره و تصویب شود خود وزارت مالیه قانوناً مجاز است که بعد از تحقیق و تفتیش انجمن محلی بر طبق تصویب آن انجمن این قبیل تخفیفات را منظور بدارد.

بهبخت - در موضوع این لایحه اشتباه میشود این تخفیف نیست برای مثل ملخ خوراکی و امثال اینها است که انجمن ایالتی و ولایتی پیشنهادی بکنند که مطابق ضرورت با آنها وارد آمده است است یک تخفیفی داده بشود ولی این آن نیست این تغییر مالیاتی است یعنی یکمجلسی است خالی از سکنه که حالا میخواهند آنها را آباد بکنند و اگر بخواهند بجزر اینک شروع بآباد کردن شد دولت مطالبه مالیات میکند یک مالیات گزافی که در زمان شاه عباس برای آن جا قرار داده شده است و زمانی بوده است که خیلی آنجا آباد بوده است و حالا نمیتواند آن مالیات را بدهند همان مالیات را مطالبه خواهند نمود باینواسطه مالکین آنها میخواهند یک اطمینانی از دولت بگیرند که اگر شروع بآبادی اینجا کردند مالیات سابق را از آنها مطالبه بکنند و در معنی حالا میخواهیم خوب یک مالیات جدیدی بکنیم آیا این وظیفه مجلس است یا سخیر؟ بدیهی است که این مطالب بالاخص از وظایف مجلس است و از قبیل تخفیف سالیانه نیست که انجمن تصدیق بکند و وزارت مالیه تخفیف بدهد حالا اگر در عبارت این لایحه برای آقایان اشتباهی دست داده است و محل اختلاف شده است صحیحش این است که باید ایندهات را آباد کنند و یک آنچه عاید مالکین میشود بدولت بدهند حالا تصویب میکنم یانمی کنند این مسئله علیحده است لکن اینکه فقط تصویب مالیه کافی است این اشتباه است که باینست پیشنهاد انجمن های ایالتی و ولایتی خود وزارت مالیه تصویب بکنند و برای رفع این اشتباه لازم است عرض کنم با آقایان چون ایندهات نزدیک است بقرخه یعنی سرحد عربستان است و منتهی میشود بظاک عثمانی و اگر این دهات آباد نباشد ایلات عثمانی وارد خاک عربستان میشوند و بالکلیه دهات شرقی هم مورد تاخت و تاز میشود

برای خاطر اینکه در یک نقطه سرحد واقع شده اند و اگر این دهات دائر و آباد بشود ممکن است بتدریج ایام آن طرف است گرفته هم من بعد اراضی لم بزور آنرا آباد کنند و یک چیزی بدولت بدهند و بنده فرض و واجب میدانم که آقایان نمایندگان این اجازه را بدهند هم تغفیری بآنها داده میشود و هم آنهاجا آباد میشود و هم آنهایکه غیرمسکونند مسکون میشوند و هم فایده برای دولت دارد و هم آنهائی که مأمور حفظ ایندهات خواهند بود یک قوه برای دولت میشوند پس این مالیات جدیدی است که وضع میشود و از وظایف مجلس است و هیچ ربطی بانجمن ولایتی و ولایتی ندارد.

رئیس - لایحه در این باب از طرف وزارت مالیه رسیده است فراتر می شود تا خاطر آقایان مسبق شود (بیمارت ذیل خوانده شد)

(مجلس مقدس شورای منی)

قراء دهات غربی دزفول چندی است خراب و خالی از سکنه و لم بزور مانده و از طرف عمده آن جا تقاضا شده است که وزارت مالیه اجازه بدهد ش وع آباد کردن قراقرمز بوره نموده و عشر عایدی و محصول را از بابت مالیات بپردازند انجمن ولایتی عربستان نیز این مسئله را تصدیق نموده علاوه بر این آقایان نمایندگان عربستان هم نظر بآباد شدن قراء مذکور همین تقاضا را نموده و صورت اسامی سیزده ملک و قریه که باید آباد شود بوزارت مالیه ارسال فرموده اند بنابر این ماده واحده ذیل پیشنهاد مجلس شورای ملی میشود.

همیشه باین قسم از مطالب صرف خواهد شد برای این که در این ملک از این قبیل دهات بسیار است که بواسطه این که از طرف صاحبانش اسباب خرابی آنها فراهم شده است یا آن که آفتی رسیده است یا سبب برده است یا تگرگ زده یا این که یک آفتی رسیده است بی سکنه مانده است و اگر یک چیزی توجه بکنند اصلاح خواهد شد و در این صورت ما دچار خواهیم شد و هر روز در مجلس از هر طرف بله و چو عنوانی بشود برای اینکه همانطور که عرض کردم در اطراف دهاتی خواهد بود که یک علی مغروبه شده است یا بواسطه اینکه دهی پهلوی آن آباد شده است و جمعیت آن ده بآنجا رفته اند و بواسطه آن عایدی آنجا کسر شده است و این کار اسباب این خواهد شد که می پیشنهاد بکنند که فلان ده کسر کرده است یا مغروبه شده است باید بآن تخفیف داد

حاج عز الممالک - همانطوریکه آقای بهجت فرمودند مصود از آن تخفیفی که میفرمایند تصویب آن منوط به تصدیق انجمن ایالتی و تصویب وزارت مالیه است تخفیف موقتی است که صلاحیت تصویب آنرا قانون راجع بکنند بانجمن ایالتی و ولایتی ولی یک تغییر مالیاتی است که بر قراری یک مالیات دائمی هم که البته باید از مجلس بگذرد اما علت خرابی اینها البته لازم بتشریح نیست که از بابت شرارت اشرار بوده که صاحبان آنها نتوانسته اند آنها را زیاد بکنند و اگر به همین حال باقی باشد تا مدت ها لم بزور خواهد بود و اول نقطه شروع بآبادی ترتیب مالیات آنجا است برای اینکه آن شخص مالکی که باید شروع بآبادی بکند سوتی که دید صد تومان عایدی دارد و یا صد تومان از او مالیات میخواهند هرگز شروع بآبادی نخواهد کرد و نا اطمینان از وضع مالیات آنجا نداشته باشد ممکن نیست که هیچکس در صد آبادی آنجا بر آید و عدم آبادی آنجا باعث خرابی دزفول بلکه یک قسمت بزرگ عربستان شده است و چنانچه درست دقت بفرمائید خواهید دانست که یک قسمت بزرگ اهالی عربستان که متواری شده و بخاک عثمانی رفته اند برای عدم آبادی این دهات بود است که یک ضرر کلی به محصول و معیشت اهالی زده است اما اینکه فرمودند نظر بدهات آباد نیسود که منافع زیاد میرند و مالیات نمیدهند علت این نیست که ما برای مالیات این قسم جاها ترتیبی قرار بدهیم بجهت اینکه یک ملکی آباد شده است و از آن ملک بفلان آدم فلان مبلغ میرسد آن ممکن است بهتر ترتیبی که مقتضی است یک لایحه وزیر یا و کلی پیشنهاد میکند و میگذرد و این هم گروهی نیست که یک ملک مغروبه را تخفیف مالیاتی بدیم

مالیات ندارد و هیچکس در صد نیست که یک پیشنهادی بکنند که فلان قراء آباد شده است و مردم از آنها فایده میبرند یک مالیات کافی بدهند هیچ چیزی نشده است البته باید تخفیف داد ولی دچار یک اشکالی خواهیم شد که همیشه باید مشغول کار باشیم و حال این تخفیف نیست تخفیف اقل است که رسیده باشد بلکه این کسر مالیات است و تصور نمیکند بدون اینکه بدانیم مالیات آنجا چقدر است و چقدر باید تخفیف داده شود ممکن باشد این را تصویب کرد.

حاج عز الممالک - همانطوریکه آقای بهجت فرمودند مصود از آن تخفیفی که میفرمایند تصویب آن منوط به تصدیق انجمن ایالتی و تصویب وزارت مالیه است تخفیف موقتی است که صلاحیت تصویب آنرا قانون راجع بکنند بانجمن ایالتی و ولایتی ولی یک تغییر مالیاتی است که بر قراری یک مالیات دائمی هم که البته باید از مجلس بگذرد اما علت خرابی اینها البته لازم بتشریح نیست که از بابت شرارت اشرار بوده که صاحبان آنها نتوانسته اند آنها را زیاد بکنند و اگر به همین حال باقی باشد تا مدت ها لم بزور خواهد بود و اول نقطه شروع بآبادی ترتیب مالیات آنجا است برای اینکه آن شخص مالکی که باید شروع بآبادی بکند سوتی که دید صد تومان عایدی دارد و یا صد تومان از او مالیات میخواهند هرگز شروع بآبادی نخواهد کرد و نا اطمینان از وضع مالیات آنجا نداشته باشد ممکن نیست که هیچکس در صد آبادی آنجا بر آید و عدم آبادی آنجا باعث خرابی دزفول بلکه یک قسمت بزرگ عربستان شده است و چنانچه درست دقت بفرمائید خواهید دانست که یک قسمت بزرگ اهالی عربستان که متواری شده و بخاک عثمانی رفته اند برای عدم آبادی این دهات بود است که یک ضرر کلی به محصول و معیشت اهالی زده است اما اینکه فرمودند نظر بدهات آباد نیسود که منافع زیاد میرند و مالیات نمیدهند علت این نیست که ما برای مالیات این قسم جاها ترتیبی قرار بدهیم بجهت اینکه یک ملکی آباد شده است و از آن ملک بفلان آدم فلان مبلغ میرسد آن ممکن است بهتر ترتیبی که مقتضی است یک لایحه وزیر یا و کلی پیشنهاد میکند و میگذرد و این هم گروهی نیست که یک ملک مغروبه را تخفیف مالیاتی بدیم

حاج عز الممالک - بله باید همان طوریکه وزیر نوشته است اضافه شود.

معدل الدوله - خیلی از مطالب این جا میگردد که از ترتیب و فواید خارج است مثلا وقتی که از برای یک دهاتی یک تخفیف ابدی تقاضا میشود اولاً باید دید که مالیات آنجا چقدر است ثانیاً باید آنجا یک مالک باشد که است ولی آباد است و عایدیش زیادتر از جاهای دیگر است معین شود و همچنین معلوم شود که مجلس چقدر از مالیات را اجاره میکند که بکلی موقوف شود و از آن گذشته علت خرابی این دهات آنرا که میگویند اینطور معلول السیفه و بلا سکنه شده است باید فهمید که چه چیز است و رفع آن از تخفیف مالیات میشود یا بجز دیگر و این علت که رفع شد آن دهات بخوبی و زودی آباد میشود یا نمیشود بنده تصور میکنم که اگر ما این مسئله را باین ترتیبیکه راجع بایندهات پیش آمده است عنوان و تصویب بکنیم وقت مجلس

مالیاتی است که تا بحال معمول بوده است میداند لایحه معفوس است و عیالنا تمام هستند از دادن تقاضی مالیات سابق و ده یک عایدات تا موقتی که قرار میزنی کلی داده شود پس پیشنهاد بنده بهتر است برای اینکه مقصود را خوب بفهماند و وقت زامین میکند که تا آنوقتیکه فراری برای میزنی گذاشته شود وزارت مالیه اجازه دارد که اکتفا بکنند بدریافت کردن عشر عایدات آنجا ولی اینکه آنجا نوشته است که بلاک اجازه داده شود اهم از اینکه این اجازه داده شود یا نشود بالطبع تمام مردم وهمه نقاط ایران این اجازه را دارند که شروع بکنند بآبادی و دادن عشر عایدات خودشان و اگر هم عشر عایدات را بوزارت مالیه بدهند در نخواهد کرد و پس نخواهد داد پس باید این اجازه را بوزارت مالیه بدهند که عرض مالیات این عشر را بگیرد و در این صورت مسئولیتی بوزارت مالیه وارد نخواهد شد که تقاضی این مالیات را نکیر د.

حاج عز الممالک - اینجا اگر در عرض اکتفا لفظ (فقط) گذاشته شود قبول میکنم یکی دیگر اینکه لفظ مالکی هم باید بعد از عایدات ذکر شود بجهت اینکه از غیر مالکین نمیشود مطالبه مالیات کرد

رئیس - (خطاب بآقای اردبیلی) باین ترتیب قبول دارید؟ (اردبیلی - بله قبول دارم) (پیشنهاد مزبور بطریق ذیل مجدداً قرائت شد)

پیشنهاد عرض ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است که از بابت مالیات مقرر قراء سیزده گانه مفضل ذیل فقط باشد و دریافت یک عشر از عایدات مالکی آنها اکتفا بنماید تا قرار میزنی کلی داده شود.

رئیس - آقای حاج امام جمعه مخالفید؟

حاج امام جمعه - (اجازه بفرمائید عرض داشتم)

رئیس - جزء کمیسیون نیست اما لفظ (مالکی) را غلط میدانم.

حاج وکیل الرعایا - بنده جزء کمیسیون هستم اگر اجازه بفرمائید عرض دارم (رئیس بفرمائید)

حاج وکیل الرعایا - اصلاحی که باقی بود و کمیسیون از خودش اضافه کرد و تا حال مذاکره نشده بود همین چیزی بود که آقای حاج امام جمعه یک مقنناری اشاره بآن فرمودند و بعضی از آقایان هم اخیراً اظهار کردند پیشنهاد وزارت مالیه فقط مینویسد یک عشر از عایدات کمیسیون چه اضافه کرده است که قابل توجه است؟ کمیسیون با اضافه کرده است یک عشر از خالص عایدات منتهی میگوید که از حصه مالکین و تفاوت عملی هم که در نظر هست اینست که دولت بکمشری را ببرد باید بعد از وضع مخارج محلی باشد حالا مخارج محلی تقسیم میشود بین مالک و زارع یا یکی از آنها آن را اطلاع ندارم و با جرت کار میکنند باید دست دیگران آن را نمیدانم چه ترتیبی بوده یا خواهد بود مقصود این است که اگر این را مجلس اعتراض ندارد یک عشری را که دولت میبرد باید از صدی هشتاد و پنج پنجم را کنار گذارد و تقریباً از بیست و پنج یکده یک میبرد و آن وقت هم در معنی از صد دو و نیم برده است نه از صد ده این چیز است که اینجا است اما یک چیزی هم اینجا هست و آن این است که بعضی اظهار کردند ما اگر توجهی بکنیم که این قراء روه آبادی پرود و این توجه ما فقط باین باشد که یک ده یک مالیات

مالیاتی است که تا بحال معمول بوده است میداند لایحه معفوس است و عیالنا تمام هستند از دادن تقاضی مالیات سابق و ده یک عایدات تا موقتی که قرار میزنی کلی داده شود پس پیشنهاد بنده بهتر است برای اینکه مقصود را خوب بفهماند و وقت زامین میکند که تا آنوقتیکه فراری برای میزنی گذاشته شود وزارت مالیه اجازه دارد که اکتفا بکنند بدریافت کردن عشر عایدات آنجا ولی اینکه آنجا نوشته است که بلاک اجازه داده شود اهم از اینکه این اجازه داده شود یا نشود بالطبع تمام مردم وهمه نقاط ایران این اجازه را دارند که شروع بکنند بآبادی و دادن عشر عایدات خودشان و اگر هم عشر عایدات را بوزارت مالیه بدهند در نخواهد کرد و پس نخواهد داد پس باید این اجازه را بوزارت مالیه بدهند که عرض مالیات این عشر را بگیرد و در این صورت مسئولیتی بوزارت مالیه وارد نخواهد شد که تقاضی این مالیات را نکیر د.

بگیریم و پیش از این یک ترتیبی برای آنها نداده باشیم و برای آن ها احداث یک روزی نکرده باشیم و منحصر باین باشد که بآن ها بگوئیم که یک عشر عایدی خودشان را بدهند اگر این را هم بکنیم پس چه کار برای آنها کرده ایم ما اینجا نوشته ایم که بشکایات اینگونه اشخاص برسیم یعنی آنقدریکه قانون حق بآن ها داده ما برای این اینجا نوشته ایم که ازده و یران خراج نستانند.

رئیس - این خارج از موضوع است.

حاج وکیل الرعایا - صحیح است که خارج از موضوع است ولی مقصود بنده این است که ما اینجا آمده ایم که این کارها بطور متصافانه بگذرد و تعدی بکسی وارد نشود یعنی تا آن جائی که میتوانیم اما آن چیزهاییکه بما پیش نهاد میکنند که تا بحال بآن ها مالیات بسته شده و با اینکه تا بحال مأمورین مالیه پیشنهاد نکرده اند این تقصیر نماینده نیست تقصیر آن مأمورین محلی است و ما پیشنهاد نکرده اند اما آن جاهائی را که پیشنهاد کرده اند برای گرفتن تخفیف همینقدر که بر ما معلوم شود و بدانیم که مستحق تخفیف است البته تخفیف خواهیم داد و باید هم تخفیف بدهیم برای اینکه تعدی نشده باشد (مجدداً ماده مزبور قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم باین ماده آقایانیکه تصویب میکنند این ماده را ورقه سفید خواهند داد و آقایانیکه تصویب نمیکنند ورقه کبود (اوراق رأی اخذ شده آقای حاج میرزا رضا خان آهارا بعد ذیل شماره نمود) ورقه سفید - ۵۲ کبود - ۲.

رئیس - با اکثریت ۵۲ رأی از ۷۴ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد یک ربع تنفس داده میشود (مجدداً پس از یک ربع جلسه تشکیل شد)

رئیس - تقاضائی است که از طرف چهل نفر از نمایندگان شده است قرائت میشود بعد از مذاکره رأی میگیریم (بیمارت ذیل قرائت شد) مقام منبع ریاست مجلس مقدس دامت شرف که چون تشکیل کمیسیون رابطه بعضی سوء آثار در خارج حاصل کرده است و با اینکه در مشاوره وزراء منداخه نکرده و که فکر می نموده اند که اقدامات و اجراء آن بآن منسوب میشود ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنیم فعلاً کمیسیون مزبور منحل شود.

رئیس - آقای ارباب مخالفید.

ارباب کبخسرو - مخالف نیستم لکن توضیحی لازم است عرض کنم چون طوری تقاضا شده است که بر میخورد با اعضای آن کمیسیون بنده هم جزء آن هیئت انتخاب شده بودم لازم است توضیحی عرض کنم.

رئیس - پس بعد از یک مخالف بفرمائید آقای اردبیلی مخالفید.

آقا سید حسین اردبیلی - بله میخواستم عرض بکنم چون از طرف هیئت وزراء اظهار عدم رضایت از آن هیئت نشده است و آن هیئت هم کاری نکرده است که اسباب سوء ظن باشد باین جهت هیچ علتی ندارد که این کمیسیون منحل شود و باید باقی باشد.

ارباب کبخسرو - بنده اگر چه استعفا داده ام از این کمیسیون ولی همینقدر خواستم عرض کنم که این کمیسیون را که تشکیل داده اند برای این بوده است و بعنوان این انتخاب کردند که رابطه باشد میان مجلس و هیئت وزراء و تا بحال این هیئت هیچوقت به هیئت اجتنابیه حاضر نشده است در هیئت وزراء که داخل یک ترتیبی شده باشد فقط دو مرتبه والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه احضار کرده اند آن هیئت را و آنجا حاضر شده اند فرض اینست که این هیئت بآن کاری هم که داشته اند و برای آن منتخب شده اند حاضر نشده و آن کار را هم هنوز نکرده است همین قدر محض توضیح خواستم عرض کرده باشم.

عز الممالک - بنده تصور میکنم در صورتیکه یک کمیسیونی برای یک کار معینی تصویب شد دیگر آن کمیسیون را نباید باین زودی منحل نمود ترتیب آن کمیسیون مکرر در مجلس توضیح شد و برای تصوراتی که در خارج میشود نباید کمیسیون را منحل کرد و بعضی تصوراتیکه در خارج میشود سهوی است یعنی مردم نمیدانند و این تصورات را میکنند در صورتیکه شما چند مرتبه در مجلس توضیح کردید و بعضی اشخاص هم که در خارج عمداً بعضی اشتهاارات میدهند و اذهان مردم را مشوب میکنند منحل کردن کمیسیون مانع از حرکات آن ها نخواهد شد منتهی آنوقت آنها بطور دیگر اذهان مردم را مشوب میکنند و دست بردار نیستند و این منحل کردن کمیسیون بهیچوجه چاره نمیکند و اینکه این کمیسیون انتخاب شده بود بجهت یک مقصودی بود اولاً خود کمیسیون یک مأموریت مخصوص نداشت که کسی بتواند بگوید کمیسیون بوظایف خود عمل نکرده و فائده از آن برده نشده است فقط این کمیسیون انتخاب شده برای اینکه بکنار رابطه شد بین هیئت وزراء و مجلس و از ابتداء تصویب این کمیسیون را هم والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه کرده اند و این کمیسیون یک ذخیره است حاضر اگر تا حال محتاج نشده اند و وجود این کمیسیون لازم نشده است ممکن است فردا لازم شود یعنی خود حضرت اقدس آقای نایب السلطنه آنها را بخواهد یا هیئت وزراء آنها را بخواهند اگر تا حال وجود اینها طرف احتیاج واقع نشده است شاید فردا یک همچو عده لازم شود که آنها را بخواهند و باره مذاکرات بعمل بیاید و آنها نتیجه آن مذاکرات را بمجلس میرساند تا این کمیسیون باقیست ممکن است این تقاضا هر وقت از طرف آنها بشود فوری بوقع اجرا گذارده شود و در این صورت بنده عرض میکنم که این کمیسیون را که انتخاب کردید تصور یک فایده نکرده و انتخاب کردید اگر تصور یک فایده نکرده که چرا انتخاب کردید تا اینکه حالا

منحل بکنید اگر غلط نبود و تصور یک فایده برای این کمیسیون کردید چرا حالا میخواهید منحل کنید و بعلاوه این یک چیزی است که بعقیده بنده ثابت و مدلل میکند که هیچ روزی ما از روی یک ترتیب و سبک معین کار نمیکنیم و این خیلی بد است و ممکن است باین ترتیب بکرور یک چهل نفری یک تقاضائی بکنند

فرای همان روز يك چهل نفر دیگر تقاضا بکنند که آن کمیسیون منحل بشود و این برای مجلس خیلی بدست حالا خود دانند

حاج شیخ الرئیس - اینطور که نماینده محترم تقریر کرد نظر بنده وسایر آقایان نمایندگان که این کمیسیون را انتخاب کردند و بی لزوم ندیدند این بود که در این موقع که بحسب پیش آمد غیر مترقبه حکومت مانتظامی است والیه هیئت کابینه و وزرای عظام دائماً مشغول کارند و نمیتوانند همه وقت حاضر شوند در مجلس و باره اطلاعات بنا بدهند و نمایندگان از مگیری و خط و زرقه مطلع باشند این هیئت را بطر باشد برای تحصیل اطلاعات از هیئت وزراء برای آقایان و کلاه و البته این نظر صحیحی بود که بنده وسایر آقایان هم تصویب و بقررت انتخاب کردیم - الا از طرف ذیشرف والا حضرت اقدس هم تقاضائی شده است یا نشده است آنرا بنده نمیدانم در هر صورت ما اینرا تصویب کردیم باین لحاظ لکن مع التأسف می بینیم که آن نتیجه برای و کلاه که یکی خود بنده باشم حاصل نشد زیرا که از روزیکه این هیئت انتخاب شدند یا کاری نکردند که با اطلاع بدهند با طرف توجه وزراء شده اند و در هر حال خود این دلیل است که این کمیسیون بی لزوم است از این گذشته خود انتخاب این هیئت هم در خارج سوء اثر کئی کرده است و نمیشود آن سوء اثر را بی اهمیت فرض کرد و بنظر بی اهمیتی نگاه کرد و عرض میکنم بعضی پیش آمده برای همین است که ما افکار عمومی را طرف توجه نمایانیم و با فکبار خصوصی خودمان متوجه هستیم حال بنده پیش از این نمیخواهم جسارت کنم و اطالقه لسان بنمایم همینقدر عرض میکنم که بنده باندازه خود مردمانی را که داده بودم پس بگیرم و انحلال این نیست حالیه را که اسس کمیسیون رابطه است دارای اهمیت یولتیکوی و از راه فرائض میدانم .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (بعضی اجازه خواستند)
رئیس - وقتیکه این کمیسیون را انتخاب کردیم پیش از این مذاکره نکردیم حال ما پیش از این مذاکره لازم ندارد - رأی میگیریم در این تقاضا آقایان بنده انحلال این کمیسیون رابطه را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت (۳۸) رأی از (۷۱) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع بفقو نیاست سوم سفارت اسلامبول خوانده میشود .

(بعبارت ذیل قرائت شد) لایحه وزارت امور خارجه راجع بحقوق نیابت سوم سفارت کبرای اسلامبول مطرح گردید و وزارت امور خارجه تقاضا نمود بودند مقرری این خدمت بطور استثناء از بودجه وزارت امور خارجه از مجلس گذشته و نیابت سوم بطور فوریت بظرف اسلامبول حرکت کند پس از مذاکرات لازم چون وجود نیابت سوم در اسلامبول لازم است کمیسیون بودجه با اکثریت تصویب مینماید مبلغ ۹۰ تومان ماهیانه حقوق و تفاوت خرج نیابت سوم سفارت مذکور ۹۰ تومان که ۵۰ تومان مقرر و ۴۰ تومان مخارج شام و نهار نیابت سوم سفارت کبرای

اسلامبول است ماهیانه اعتبار بوزارت امور خارجه داده میشود این اعتبار از بودجه کل وزارت خارجه برگشت خواهند نمود .

رئیس - مخالفی هست .
دکتر سعید الاطباء - بنده مخالفم و تصور میکنم این مسئله باید در جزء بودجه وزارت خارجه بیاید بمجلس و در آنجا به بنده نایب سوم در اسلامبول لازم داریم یا خیر بنده اطلاع دارم که مادر آنجانب دوم نداریم در اینصورت نمیدانم چطور يك نایب سومی قرار داده ایم يك مواجی هم برای او معین کرده ایم و در هر صورت تصور میکنم که این باید بماند تا بودجه وزارت خارجه بیاید و معلوم شود که ما نایب سوم در آنجا لازم داریم یا خیر

لواء الدوله - اولاً عرض میکنم چیزی را که وزیر پیشنهاد میکند البته لزوم دارد که پیشنهاد میکند دیگر آنکه در راپورت مینویسد که از بودجه کسر خواهد شد این مطلبی که اینجا تصویب شده است و کلیات بودجه بلکه کلیات و جزئیات آنهم در اینجا میاید هر شخصی که از ترتیب وزارت خارجه اطلاع دارد میدانم که سفارتخانه ها سه نایب دارد نایب اول و دوم و سیم مترجم هم که بوده است اینها سابقاً تصویب شده است منتهی بودجه نیامده است حالا وزیر امور خارجه مینویسد که حالا اهمیت دارد وجود نایب سوم و باید برود برای اینکه سفیر ما از آنجا مینویسد که نایب سوم چرا نیاید متوسل میشود به وزارت امور خارجه برای فرستادن نایب چه ضرورت دارد نایب ما بلکه نواب ما همیشه آنجا حاضر باشند و از اینکه حاضر نباشند در عمل خدمت خود چه صرفه تا بحال برده ایم بجز اینکه علی الاتصال دچار مطالبی شده ایم که روابط آنجا ما کسر شده است وقتی اینها نروند مسلماً روابط ما کسر میشود

رئیس - گویا مذاکرات کافی است (بعضی اظهار داشتند که کافی نیست)
رئیس - پس رأی میگیریم در اینکه مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایان بنده تصویب میکنند همه مذاکرات کافی است قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)
رئیس - تصویب نشد .

حاج شیخعلی خراسانی - آقای لواء الدوله ظاهراً اشتباهی کرده اند کسی مخالف نیست که نایب سوم لازم است یا لازم نیست در سفارت اسلامبول تشکیلات وزارت خارجه و مستخدمین خودشان بسته بنظر وزیر امور خارجه است چیزی که نیست و اسباب مخالفت بعضی از آقایان است اینست که چه اختصاص دارد که حقوق بگذرد را بیاورند از مجلس بگذرانند قبل از این که بودجه کل از مجلس بگذرد اگر این جزو بودجه سابق است که يك تشکیلاتی از سابق داده اند و اینهم جزو آنها است و همان ترتیبی که در خصوص کلاه در دست دارند خودشان عمل میکنند چه جهت دارد که بالاخص باید باین بگذرد در مجلس رأی داده شود حال آن که بهیچوجه بهیچیک از افراد مستخدمین وزارت خارجه بوده است چه جهت دارد که ما يك جزء آن را تصویب میکنیم و باقی او باشد خوب بود که وزارت خارجه بودجه

میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) لایحه وزارت مالیه راجع بشکست قنات یوسف آباد بفرویه یزد در کمیسیون بودجه مطرح گردیده نظر بتصدیق انجمن ولایتی و حکومت یزد در خصوص شکست محل مزبور و وزارت مالیه پیشنهاد نموده بودند مبلغ یکصد و هفتاد و نه تومان سه هزار نصف مالیات قنات بفرویه تخفیف داده شود پس از مذاکرات لازمه نظر باینکه مالیات قنات مزبور مبلغ دوست و چهارده تومان و کسری اصل و یکصد و چهل و چهار تومان و پنجاه هزار فرس است و تصدیق شکست آن جا از انجمن ولایتی و حکومت مجلس شده است کمیسیون با اکثریت آراء مطابق ذیل فرغ آنجا در همانالسنه تخفیف میدهند .

ماده واحد مبلغ یکصد و چهل و چهار تومان و پنجاه هزار دینار فرغ قنات یوسف آباد بفرویه یزد نامدتیکه املاک واقعه در یزد میزنی نشده تخفیف داده میشود .

حاج عز الملک - خوب است لایحه وزیر را بخوانند و پنجاه هزار دینار فرغ قنات یوسف آباد بفرویه یزد نامدتیکه املاک واقعه در یزد میزنی نشده تخفیف داده میشود .

رئیس - راپورت دیگر از کمیسیون بودجه خوانده میشود تا لایحه وزیر را بیاورند (بعبارت ذیل قرائت شد)
لایحه وزارت مالیه راجع بقنات ای ماهی بیست و پنج تومان در باره ادیب المجاهدین کرمانی که در راه آزادی بادیب المجاهدین رسیده کمیسیون بودجه با اکثریت آراء ماهی یازده تومان مادام الحیوة در باره مزنی البه تصویب مینماید .

ماده - ماهی یازده تومان مادام الحیوة در باره ادیب المجاهدین کرمانی بر قرار میشود .

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)
رئیس - رأی میگیریم در اینصورت آقایان بنده موافقت در وقت سفید خواهند داد (اوراق آراء اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان بماده (۴۲) احصاء نمود

رئیس - با اکثریت (۴۲) رأی تصویب شد .

لایحه وزارت مالیه راجع بقنات یوسف آباد بفرویه یزد بعبارت ذیل قرائت شد .

مجلس شورای ملی - قنات وقفی یوسف آباد بفرویه یزد مبلغ سیصد و پنجاه و هشت تومان هشت هزار ششصد و چهل دینار مالیات دیوانه دارد که دوست و چهارده تومان و یکصد و هشتصد و هفتاد و پنج دینار آن اصل مالیات است و بقیه تفاوت اصل میباشد ومدتی است که رعایا و متولیان آن بوزارت مالیه و مجلس شورای ملی شکایت کرده اند که چند سال است قنات مزبوره خراب و مسلوب المنعمه شده انجمن ولایتی یزد و آقای سردار جنگ حکمران سابق و پیشکار مالیه آنجا تصدیق اظهارات رعایا را نموده اند که مجبورند برای مشروب خود از خارج و دهات اطراف تحصیل آب نمایند نظر بتصدیقات فوق الذکر وزارت مالیه ماده واحد ذیل را پیشنهاد مجلس شورای ملی مینماید .

ماده واحد - وزارت مالیه مجاز است که مبلغ یکصد و هفتاد و نه تومان و سه هزار و هشتصد و بیست دینار نصف مالیات قنات وقفی یوسف آباد را تا مدتی که املاک واقعه در یزد میزنی نشده تخفیف دهند .

آقا میرزا احمد قزوینی - بنده در مسئله

اول دیدم که راجع به تخفیف نبود متقاعد شدم ولی در اینجا مسلماً راجع به تخفیف است و در اصل نود و هشتم قانون اساسی تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است و در قانون انجمن های ایالتی و ولایتی يك ماده دارد که تخفیف پس از تصدیق انجمن تصویب وزارت مالیه خواهد بود و این حکایت میکند و هیچ تصویب مجلس را لازم نمیدانم و محتاج باینکه بمجلس بیاورند نیست .

رئیس - این يك مسئله است که یکوقت باید تصویب بکنند که بنده از این قبیل لوایح را قبول نکنم و در این باب تصریحی نشده است و رأی داده نشده است و بنده هم از خود نمی توانم این کار را بکنم .

حاج سید ابراهیم - در اصل (۱۸) قانون اساسی میگوید تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها رد و قبول عوارض و فروعات همچنان میزنی های جدید که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهد بود پس در حقیقت رد و قبول عوارض تمام بتصویب مجلس شورای ملی است و این پیشنهاد در حقیقت رد میکند يك عوارضی را که دولت میبگردد است و این را ما باید تصویب بکنیم و تصویب آن وظیفه مجلس است .

معدل الدوله - بنده فقط عرضی که دارم این است که همه قانون اساسی را برای جرح و تعدیل سند میکنیم و هیچ تعدیل میان او نیست همیشه جرح میکنیم خیلی از این قبیل محلهاست و باید مجلسی باشد که بتواند تکانو بکند این کسر ها را و اگر وزارت مالیه پیشنهاد بکند در مقابل این لایحه که میدهد يك مجلسی را هم بنماید که ما بتوانیم قاسم شویم و متصل خرج از مجلس نگذرد که اقلا عوارض این صد و هفتاد تومان کسر میکنیم که يك پنجاه تومانی هم بتوانیم از يك جای مشروعی بیفزائیم در صورتیکه بنده خوب خبر دارم از این قبیل محلها زیاد است و اگر اینطور تصویب شود همه روزه دچار اشکال میشویم .

حاج عز الملک مخیر - این فرمایش آقای معدل الدوله جواب شکست این قنات ۱۰ نمی دهد بعد از اینکه انجمن ولایتی تصدیق کرده است در اینکه این قنات مغروبه است وزارت مالیه هم تصدیق کرده که اینجا تخفیف داده شود البته مجلس شورای ملی هم تصویب میکند و رأی خواهد داد بنده هم تکذیب نمیکند فرمایشات ایشان را شاید سایر جاها هست که بیشتر از این مالیات داشته باشد و میتواند بپردازد ولی این مربوط بشکست قنات يك جائی نخواهد بود و کمیسیون هم بعد از آنکه تحقیقات نمود معلوم شد که لازم است این تخفیف به آنها داده شود و حالا رأی مجلس شورای ملی هم قاطع این مسئله هست .

آقا میرزا احمد - بنده این مسئله را هیچ محتاج باین نمیدانم که این در مجلس مذاکره و رأی گرفته شود مقرر بفرماید ماده (۹۱) قانون انجمن های ایالتی و ولایتی را بخوانند معلوم میشود و بنده محتاج برای و مذاکره در مجلس نمیدانم

باید این جور لوایح بمجلس بیاید ماده مزبور بقرار ذیل خوانده شد .
ماده (۹۱) انجمن ایالتی حق نظر در وصول و ایصال مالیات بهره عنوان که موافق قانون مقرر شده باشد در تصدیق شکایات راجعه بمالیات و همچنین تحقیق در باب استعدای تخفیفات و تشخیص امر آفات برعهده انجمنهاست و نتیجه تحقیقات توسط حاکم ایالت باید بوزارت مالیه ابلاغ شود که بنا تصویب وزارت مالیه بوقوع اجرا گذارده شود .

رئیس - چنانچه ملاحظه فرمودند تحقیقاتش را راجع کرده است بانجمنها منتهی ترتیب صحیح اینست که این قبیل تحقیقات باید يك سال قبل پیش بینی شود و جزء بودجه بمجلس بیاید لکن چون ما بودجه صحیحی نداشته ایم نتوانسته ایم بآن ترتیب رفتار کنیم گویا مذاکرات کافی باشد حالا رأی میگیریم بنده واحد لایحه وزیر آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید و کسانیکه تصویب نمیکنند ورقه آبی خواهند داد .

حاج عز الملک مخیر - بر راپورت کمیسیون پایداری گرفته شود که مبلغش کمتر است **رئیس** - بله راپورت کمیسیون باید رأی گرفت ولی مسئله میزنی هم باید نوشته شود .

حاج عز الملک - البته باید نوشته شود (مجدداً راپورت کمیسیون قرائت شد و رأی گرفته شد) آقای حاج میرزا رضا خان اوراق رأی را بمده مفصله ذیل احصاء نموده ورقه سفید (۴۵) ورقه آبی (۱) .

رئیس - با اکثریت (۴۵) رأی از (۷۳) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد لایحه است از طرف هیئت وزراء عظام پیشنهاد شده قرائت میشود .

(بعبارت ذیل قرائت شد)
مقام منبع مقدس شورای ملی شیدائیه از کانه با استحضار و بصیرت کاسلی که مجلس مقدس از اوضاع کنونی دارد هیئت وزراء برای مخارج فوق العاده از قبیل اعزام اردو هائیکه بعد از این لازم خواهد شد و بعضی مخارج مغنیه که برای پیشرفت مقاصد دولت ضرورت دارد اعتبار سیصد هزار تومان نقد از آن ساحت مقدس بقررت تقاضا مینماید که مبلغ مزبور را خزانه دار کل پس از امضای هیئت وزراء برای مخارج لازمه بپردازد نجفقلی بختیاری

رئیس - رأی در فوریت گرفتن لازم نیست بجهت اینکه تقاضای مخارج است فقط باید رأی بگیریم که در همین جلسه رسیدگی شود آقایان بنده تصویب میکنند که در همین جلسه مذاکره نمایند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد چون ماده بنده شده است ماده اش اینطور نوشته اند .
(ماده واحد بعبارت ذیل قرائت شد)
ماده واحد - وزارت مالیه مجاز است مبلغ سیصد هزار تومان اعتبار بجهت وزراء برای مخارج لازمه از قبیل اردو کشی وغیره بدهد .

وزیر داخله - بنده عقیده ام اینست که همان

طوری که وزراء پیشنهاد کرده‌اند برای مصارف اردو کشی و مخارج مخفی نوشته شود بهتر است که تصریح شود.

حاج سید ابراهیم - در آنجا مطابق لایحه

وزراء يك چیزی باید قید شود (مخارجی که بتصویب هیئت وزراء حواله میشود) و یکی هم گنا می‌کنم که در آخرش نوشته شود که در صورت دفع حاجت صورت مخارجش را بحسابات کل ماله خواهند داد خوب است قید شود در وقتی که حاجت رفع بشود و مقام اقتضا کند صورت آنرا بحسابات کل وزارت ماله خواهند داد و الا در اساس بنده موافقم و تصویب می‌کنم ولی این دو قیسا بنده لازم میدانم و باید زیاد شود.

لواءالدوله - وقتیکه يك هیئت وزراء در

مملکت برای تصفیه امور معین شد البته بعضی لوازم هم لازم دارند که اگر فراهم نکنیم آنوقت با زیر - می‌گردد و تصفیه راجع میشود بسا این مسلم است آنها وقتی سیصد هزار تومان را خواستند برای اردو کشی و مخارج مخفی نمیشود اسم برده مخارج معنی را بنده میدانم چیست برای این است بعضی را بعضی نقاط میفرستند بعضی را بپورتها بدهند بنده تصور می‌کنم که اگر این مساعدتها با دولت نشود گمان می‌کنم که با هیئت دولت همراهی نکرده ایم و آن چیزهایی که برای مایش می‌آید ضرر ماست با آنها همراهیم.

حاج سید ابراهیم - علاوه بر این فرمایش

را که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند جواب از طرف وزراء عظام داده نشده که بعد از آنکه این مخارج را فرمودند صورت بمالیه میدهند یا نمیدهند مخارجی که تا بحال داده شده است از برای اردو کشی جزء این سیصد هزار تومان است یا خیر این سیصد هزار تومان باید معین شود صورت مخارجش را همان وقتیکه اردو اعزام میشود بمالیه و خزانه دار کل میدهند یا خیر و منبسط صورت مخارج مخفی را. وزیر داخله - البته این قسمتی که راجع باعزام اردوها است آن چیزی نیست که تاخیر بشود در صورت دادن او ولی آنچه راجع بمصارف مخفی است وقتیکه هیئت دولت صلاح بداند آنرا هم صورتش را میدهند.

رئیس - دیگر مخالفی نیست رأی می‌گیریم

آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید و آقایانیکه تصویب نمیکنند ورقه کبود خواهند داد (اورا رأی اخذ و حاج میرزا رضاخان بده ۵۰۰ احصاء نمودند رئیس - با اکثریت (۵۴) رأی از (۷۱) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد.

رئیس - دستور سه شنبه بیستم بقیه قانون

انتخابات - رایوروت کمیسیون بودجه در باب عبدالملکی مجاهد.

رئیس - راجع بدستور مخالفی نیست

(مخالفی نبود)

رئیس الوزراء - چون آقای دبیر الملک

ناخوش بوده و برای معالجه بفرنگستان رفتند موقع هم باریک بود وزیر پست و تلگراف نداشتم لهذا آقای معاضد السلطنه را برای وزارت پست و تلگراف انتخاب کردم. (مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

جلسه ۴۸۴ صورت مشروح يوم شنبه ۲۰ شهر شعبان المعظم ۱۳۲۶

رئیس - آقای مؤتمن الملک سه ساعت قبل از ظهر بجای خود جلوس نموده و پس از زده دقیقه مجلس افتتاح گردید صورت مجلس روز شنبه (۱۷) را آقای آقامیرزا ابراهیم خان قرائت نمودند (غائبین جلسه قبل) آقا میرزا علی اکبر خان بدون اجازه سلیمان میرزا فرزانه با اجازه غائب آقایان آقا شیخ محمد حسین یزدی.

دکتر امیر خان - آقا میرزا اسدالله خان کردستانی - ناصر الاسلام - لواءالدوله - آقامیرزا ابراهیم قمی - میرزا یانس هریک بصامت و آقای متین السلطنه پنجده دقیقه و آقای میرزا سلطان ۵ دقیقه از وقت مقرر تأخیر نمودند.

حاج عز الممالک - بنده عرضم این بود که حاج وکیل الرعایا با تخفیف مخالف نبود باید اصلاح شود.

رئیس - خودشان باید حاضر باشند و عقیده - شان را بگویند در صورت مجلس هم همچو چیزی نبود دیگر کسی مخالف نیست (اظهار شد خیر) صورت مجلس تصویب شد قانون انتخابات - ماده دوم را اول قرائت میکنند برای اینکه ماده اول مربوط است بماده دوم با پنجده اول ماده دوم قرائت میشود و مذاکره می‌کنیم بماده اول را میخوانیم (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۲) تقسیم نمایندگان ملت نسبت بحجمیت تخمینی ولایات و اهمیت محلی از قرار شرح جدولی است که باخر نظامنامه منضم شده است.

بجهت - پیش از اینکه ورود بکنیم بعرضه

بندها در ماده دوم يك چیزی نظر می‌رسد که باید مسبقاً بشیم و آن اینست که می‌نویسد تقسیم نمایندگان ایالات و ولایات از قرار فهرستی است که باخر نظامنامه منضم است حالا ما باید بدانیم که با این ترتیب چکار می‌خواهیم بکنیم بنویسیم طهران ده نفر یا آذربایجان (۲۷) نفر چطور میشود ما میتوانیم این کار را بکنیم بنده در اینجا يك نظر ابتدائی از برایم پیدا میشود و آن اینست که در این موضوع اول باید بهیشیم نقطه نظر مجلس در وقت انتخابات از چه قرار است از قرار عده نفوس است یا نظر با اهمیت موقع سیاسی است و جغرافیائی است و حیثیت تجارتی را هم ملاحظه میکنند یا خیر معنی مقصود فقط نقطه نظری جمعیت است یا اینکه خصوصیات آبی خاکم هم ملاحظه میشود گمان می‌کنم نقطه نظری که در اینجا هست فقط جمعیت است یعنی حیثیت تجارتی و اقتصادی و غیره هیچ ملاحظه نشده است اگرچه در پایتخت يك خصوصیتی منظور نظر نمایندگان بود ولی در غیر پایتخت گویا فقط نظر بحجمیت است پس اگر نظر بحجمیت است اولاً ما باید یکماده اینجا بگذاریم یعنی بنویسیم که هر پنجاه هزار نفر صد هزار نفری حق یک نفر نماینده دارد و چون این ماده را هنوز نگذاریم نمیتوانم بگویم که آذربایجان (۲۷) برای چه بگویم هر استان پنج نفر داشته باشد با فارس ده نفر باشنود نفر داشته باشد دلخواه که نیست لابد باید از روی يك مقیاس باشد اگر از روی يك مقیاس است اولاً آن مقیاس را ما باید بدانیم چه

چیز است اگر آن مقیاس اینستکه هر صد هزار نفر یا پنجاه هزار نفر بکنم نماینده داشته باشند باید بوجوب یکماده معلوم بشود آنوقت هم دیگر محتاج بان نیست که این حوزه بندها را در دو مجلس بگذاریم این يك نظامنامه داخلی است شاید جمعیت طهران سیصد هزار نفر شد خواهد گفت قانون همیشه قابل تغییر است بنده عرض می‌کنم صحیح است ولی در قانون همیشه نظر بتغییر نباید باشد که همیشه وضوح کنیم بعد تغییرش بهمیم یا اینکه اگر اقتضا آن مملکت مجبور بان کرد آنرا رأی بهمیم اگر نکرد رأی نهمیم و اساساً بنده نمایانم این چه رأی است که پارلمان ما میدهد مثلا ما رأی میدهم که شیراز سیصد هزار نفر جمعیت دارد شاید بیشتر داشته باشد آیا این رأی مبنی بر يك احصائیه است که فرضاً هم کمیتی بر احصائیه صحیحی باشد اصلاً این مطلب قابل رأی نیست پس بنده عقیده ام این است که یکماده را اینجا ابتداء باید برای بهمیم که هر صد هزار نفر یا پنجاه هزار نفری بکنم نماینده بفرستند پارلمان و آن اساس انتخابات ما خواهد بود و مطابق آنماده انتخابات مستقیم بگذاریم همینطور یکماده دیگر اینست که هر صد هزار نفر بکنم آنوقت مطابق این ماده يك نظامنامه داخلی ترتیب داده خواهد شد حالا اگر وزارت داخله برایش اشکالی پیدا شود ممکن است آن نظامنامه داخلی را يك کمیسیونی از مجلس معین بشود که آن را ترتیب بدهد و الا اگر باینقسم ترتیب بهمیم یقیناً باب شکایات از اطراف باز می شود برای این که ما پیش خودمان فرض کرده ایم جمعیت فارس سه کرور صد هزار نفر است فردا شکایت می‌رسد که بیشتر است و مطابق عده نفوس بانها حق داده نشده است پس چطور مجلس میتواند این رأی را بدهد و فارس مثلا سه کرور صد هزار نفر است از کی این مسئله محقق شده است این مثل این میماند که برای قضاوت و مسائلیکه راجع به امور قضاوت است بنشینم رأی بدهم و اگر آن دو نفر باهم مراجعه داشتند آنطور رأی بدهم ما که نمیتوانیم که از روی حدس و تخمین رأی بدهیم ما اگر میخواهیم در این خصوص يك رأی بهمیم باید از روی يك احصائیه صحیحی باشد آن را هم بکنیم فرضاً هم که يك احصائیه صحیحی داشته باشیم وظیفه پارلمان نیست که در اینخصوص رأی بدهد مجلس وظیفه اش فقط اینست که عده را معین کند آنوقت سایر ترتیبات آن باید يك نظامنامه دائمی باشد و ترتیب تعیین عده و مأخذ انتخابات هم بفرمایند اینكه یکماده بگذرد که صد هزار نفری بکنم نماینده داشته باشد و تمام بشود راهی ندارد.

ذکاء الملک مخبر - در خصوص اینکه

ماخذ عده نمایندگان عده نفوس ولایات باشد همین طوریکه آقای بهجت فرمودند نظر کمیسیون هم بر این بوده است منتهی اینست که چون احصائیه صحیحی نداریم از روی تخمین عمل کرده ایم و ممکن است که در خیلی موارد هم اشتباه کرده باشیم اما چاره نیست ولی اینکه میفرمایند ماخذ را بوجوب يك ماده قانونی معین کنیم و باقی جدول حوره بندی را واگذار کنیم بنظامنامه داخلی این را بنده شخصاً تصدیق ندارم و گمان می‌کنم که اینطور نباید باشد ترتیب انتخابات عده نمایندگان که بهایالت ولایاتی

داده میشود از روی قانون باید باشد و قانون باید از مجلس شورای ملی بگذرد حالا اگر رأیستان اینست که این قانون را وزارت داخله باید بنویسد و از تصویب مجلس بگذرد زناهی نداریم ولی میدانید که مرای وزارت داخله را مدخلیت داده ایم منتهی صورتیکه از وزارت داخله داده شده بعضی تصرفات جزئی در آن شده ممکن است بفرمائید که صورتی وزارت داخله داده است ما نباید تصرفی در آن بکنیم ولی مجلس حق همه قسم تصرف دارد این را هم نمیتوان منع کرد اما اینکه میفرمایند چگونه مرای دادیم که مثلا فارس فلانقدر جمعیت دارد و ما این رأی را نمیدهیم بهرحال یا احصائیه شده باشد یا نشده باشد و از روی تخمین شده باشد مرای میدهم که فارس اینقدر نماینده داشته باشد در هر صورت بنده حکم نمیکنم که تقسیم حوزه بندی که ما کرده ایم خوب است و هیچ اشکالی ندارد ممکن است اشتباهاتی کرده باشیم اما عده نمایندگان هم مملکت و تقسیم آنها بهایالت ولایاتی باید مطابق قانون باشد و قانون باید از مجلس شورای ملی بگذرد قانون هم لایحه نیست مخصوصاً قانون انتخابات که مربوط بر يك امری است که غالباً تغییر میکند یعنی مربوط به عده نفوس مملکت است یعنی اصول قانون انتخابات ممکن است پنجاه سال هم تغییر نکند ولی این مسئله که در واقع فرغ قانون انتخابات است ممکن است بر حسب تغییراتی که در عده نفوس حاصل میشود بعد از دوسال یا چهار سال تغییر کند اگر فردا يك احصائیه کردند در مملکت و معلوم شد که عده نفوس کمتر یا بیشتر از این است و این عده ای که معین شده صحیح نبوده فوراً بوجوب يك جدول و لایحه جدیدی که از مجلس شورای ملی خواهد گذشت تغییر میکند.

حاج سید ابراهیم - اگر چه عرایش بنده

را آقای بهجت فرمودند و لکن این جواب ها اینرا که آقای مخبر دادند هیچ بندهم واقع نکرد بجهت اینکه در ماده هیچ اشاره نمیکند که از چقدر نفوس بکنم نماینده منتخب میشود از هفتاد هزار نفر یا از پنجاه هزار نفر از چهل هزار نفر هیچ معین نمیکنند پس باید در ماده دوم يك مقیاس معین کرد ولو اینکه شرح حوزه بندها هم بواسطه اینکه چاره نیست و اسباب آن در وزارت داخله فراهم نیست باید در همین جا يك ترتیب داده شود ولی مقیاس عده را باید در این ماده ذکر کرد که اساسش بر همان صد هزار نفر است یا پنجاه هزار نفر یا بیشتر یا کمتر چون آن عده را معین نمیکنند بنده مخالفم باین ماده که بهمین قسم که خوانده شد نوشته شود در اینجا پیشنهاد میکنم.

ذکاء الملک - در خصوص میزان

جمعیت همان صد هزار نفر منظور شده است و اگر لازم میدانید که یکماده در این باب نوشته شود مانعی نیست.

حاج آقا - بنده تصور میکنم که اگر از طرف

وزارت داخله یا خود وزیر یا معاونان حاضر بودند که عده معین میکردند و نظرات خودشان را هم میگفتند خیلی خوب بود ولی متأسفانه نیستند باینکه این مسئله از مسائل خیلی مهمه انتخابات است و غیر از وزیر داخله و اطلاعات وزیر داخله ما خودمان نمیتوانیم مدافعه

بکنیم ولی بنده مهتدا باین حوزه بندها که شده است بکلی مخالفم و این ماده را با عده منطقی نمیدانم بواسطه اینکه در قانون اساسی سابقاً نوشته شده است که عده نمایندگان ملت قلاً (۱۶۴) نفر است و بعد بجهت مناسبات وقت زیادتر خواهد شد و بنده در این دوره هم بوجوب استعلا میکه از ملت کردند بکنم از برای نمایندگان مجلس معین کردند که یکمصد و بیست نفر باشد که آنهم در حقیقت در حکم همان بنده قانون اساسی شد همان قید هم بر آن افزوده است که بوقوع بمقتضای وقت زیاد خواهد شد حالا باید باز ببینیم که امروز آن موقع واقعا رسیده است که ما عده نمایندگان را زیاد بکنیم ما میخواهیم همان عده ای را که در مجلس سابق بوده و در قانون اساسی ماذکر شده و بعد هم نسخ شده بهمان ترتیبیکه قانون اساسی اجازه میدهد همانقدر را فرار بهمیم باینکه بر آن عده بیفزاییم از قرار این رایوروت معلوم میشود که کمیسیون نظراتش این باشد که وقت مقتضی این است که عده نمایندگان افزوده شود حالا که این را تصدیق کردند که موقع رسیده است که عده نمایندگان زیاد شود پس باید يك میزان ماخذی بجهت عده نمایندگان برای خودشان قرار بدهند از قرار تقریریکه مخبر محترم کردند این وزارت میزان عده گرفته اند که از هر صد هزار نفر یک نفر و این را تقسیم کردند بیلاوه از روی آن میزان آن عدد تخمینی که در بلاد بوده است میزان گرفته اند و حوزه بندی کرده اند بنده اولاً می‌بینم که در این حوزه بندی مطابق ترتیبات جغرافیائی بالنسبه به بعضی جاها زیادتر یعنی بر حسب آن عده دیکه در ولایات و ایالات تخمین کرده اند یعنی در بعضی جاها که در تمام جغرافیای ایران عده آنها معین شده است و کمتر است نمایندگان آنها را یکمقداری زیاد داده اند و در بعضی جاها و مسلماً زیادتر است کمتر داده اند پس غیر از ملاحظه عده نفوس کمیسیون محققاً نظریات دیگری داشته است که بر ما مخفی است و خوب است بیان بفرمایند که نظریات دیگری داشته است یا آنکه همان میزان عده نفوس را میزان بگیریم آنوقت بعد از آنکه این ماده را بگذاریم که میزان انتخابات از هر صد هزار نفر یا از هر صد هزار نفر یک نفر است بهر میزان که نظرشان رسیده است آنوقت دیگر بنده سایر چیزها را منطقی نمیدانم که تمیز عده نمایندگان در هر ولایت یا ایالتی مخصوص مجلس شورای ملی باشد بواسطه آنکه بعد از اینکه ما گفتیم هر صد هزار نفر یک نفر و کبیل باید بدهد مجلس یا میداند که فارس یا باند پنج کرور جمعیت دارد یا نمیداند اگر ندانسته باشد که جمعیت فارس و باند چقدر است نمیتواند (۱۹) نفر و کبیل برایش معین بکنند و این تغییر نمیدهیم آن ماده را که بوجوب آن ماده مزانی برای انتخابات قرار داده میشود که هر صد هزار نفر یک نفر حق انتخاب دارد و هر ایالت و ولایاتی که دارای صد هزار دو صد هزار یا بالاتر جمعیت شد بدهد هر صد هزار نفر حق دارد بکنم انتخاب کند و اگر مجلس بعد از آن ماده را که گذرانیده از روی بی اطلاعی عده آن ایالت را کمتر از آن عده که هستند فرض کنند و کمتر نمایند معین کنند اسباب يك معظوری است که آن ایالت و ولایت حق این اظهار را دارند که بجمعیت شکایت بکنند که بوجوب آن ماده که گذشته

که باید هر صد هزار نفری بکنم انتخاب بکنند این حق اعتراض را همیشه دارند و این اعتراضشان منطقی است بوجوب قانون که هر صد هزار نفر يك حق انتخاب دارد پس اگر مزانی را که قرار داده اند میزان را همان صد هزار نفر قرار داده اند بنده عقیده ام اینست که همان میزان را بنویسند و این را بوزارت داخله اعلان کنند که از هر جایی باندها که ممکن است نفوس آنجا را تخمیناً معین کنند آن وقت بنده عرض میکنم خیلی از این ایالات و ولایات بطوری که در کمیسیون تقسیم شده است خیلیها کم نمایند بانها رسیده است و خیلی زیاد اگر چه برای تقسیم آن ها باید يك مزانی قرار داد که برای هر ولایت و ایالتی معین شود که چقدر نفوسشان هست و چقدر باید و کبیل انتخاب کنند ولی این دایر مدارای و قانون نیست قانون میگوید هر صد هزار نفری بکنم حق دارد حالا قانون این را گفت آن وقت اگر حکومت نابت صدور بيك ترتیبی یا باحصائیه یا بهر طوری که لازم باشد و بوزارت داخله ثابت کرد که این ایالت دارای پانصد هزار نفر یا پنج کرور یا بیشتر نفوس است آن وقت منضم نیست که ولایاتی که دارای پانصد هزار جمعیت چهار نفر و کبیل داشته باشد یا آن ایالتی که دارای پنج کرور است حتماً باید ۱۶ نفر و کبیل داشته باشد این صحیح نیست باید بحسب میزان عده و کبیل انتخاب کنند و ممکن است و گاهی مجلس در دوره آبی از دوستی نفر هم تجاوز کنند پس از آن طرف میزان را صد هزار قرار دادن از طرف دیگر عده را بنظر خودمان قرار دادن که احتمال میدهم که مطابق واقع نباشد بلکه یقین دارم که گمان اینکه بنده یقین دارم که این چیزیکه در جغرافیای نوشته اند و برای فارس و باند میزان گرفته اند ابتدا موافق واقع نیست بواسطه اینکه میزان گرفته اند سه کرور صد هزار نفر و بنده در جغرافیای دیده ام که عده جمعیت فارس را معین کرده اند آنوقت شهر شیراز می‌رسند بعضی از جغرافیایهای فرانسوی را بنده دیدم مخصوصاً نوشته است بیست هزار نفر قم را بنویسند سی هزار نفر و حال آنکه امروز شهر شیراز دارای صد و بیست هزار جمعیت است بیست هزار واحد و بیست هزار خیلی فرق دارد و این بدهی است چون ما خودمان احصائیه نداریم بکنم سیاح می‌آمده است یکی دو روز حضار بلد را ملاحظه میکرده است باندها تخمین و دش يك چیزی حدس میزد است و میرفته است ماهان را میزان احصائیات خودمان قرار داده ایم که چون عده نفوس اطراف شمالی بهتر محفوظ است بواسطه آنکه توجه و نظرات دولت بیشتر بان طرف بوده احصائیه اش عدد نفوسش در قراء و قضبات بهتر محفوظ است نسبت بان طرفهای دیگر و باین ترتیب بنده مخالف انتخابات و حوزه بندیهای که در اینجا نوشته شده است هستم زیرا حق جنوبی ایران خیلی تلف و ضایع خواهد شد و بنده هیچ تصویب نمیکنم و لازم میدانم که يك میزان صحیحی قرار بدهند و ترتیب را بدست وزیر داخله بدهند که بدست خودشان اجرا کنند.

رئیس - خاطر آقایان را مسبقاً می‌کنم که این قبیل مطالب را در وقتی که حوزه بندها خوانده

میشود آنوقت باید بگویند درآمده دوم نوشته شده است که عده نمایندگان از زوری جمعیت تعیینی واهیت محلی است اگر در این باب حرفی دارید بفرمائید اینکه فلان جا کمتر دارد یا بیشتر دارد دوموقع مذاکره حوزه بندیها باید مذاکره شود - گویا مذاکرات درخود ماده سوم کافی باشد (گفتند کافی است) (سورت حوزه بندی طهران بترتیب ذیل قرائت شد - طهران و حومه - ده نفر) -

رئیس - در ده نفر مخالفی هست .

افتخار الواعظین - اولاً سؤال میکنم از آقای رئیس که در حوزه بندیها در کلیات اجازه میدهند که مذاکره کنیم یا آنکه در هر حوزه بندی که خوانده میشود جدا جدا باید صحبت کرد .

رئیس - حوزه بندی کلیات ندارد جدا جدا باید صحبت کرد .

افتخار الواعظین - اگر کلیات ندارد بنده سؤال میکنم که سبب چه چیز است که آمده اند ده نفر برای طهران قرار داده اند دیگر آنکه علت این چه بوده است که نظر کمیسیون متوجه شده است باینکه باید بهر صد هزار نفر یک نفر وکیل بدهند و حال آنکه انتخابات سابقه شما ثابت کرد وقتی که ۱۲۰ نفر وکیل حق داده بودند بعد از تمام زحمات حالا که دوره انتخابیه باخر رسیده است در همچو موقعی ۸۰ نفر یا هشتاد چند نفر حاضر شده اند و بنده نمایانم علت آنکه نمایانم آن عده شان زیاد شود چه فایده دارد و حال آنکه دوشزر محسوس دارد یکی از ضررهای او اینست

رئیس - این از موضوع خارج است .

افتخار الواعظین - عرض کردم در کلیات حوزه بندیها چه نظر داشته اند و علت اینکه نظرشان بهر صد هزار نفر یک نفر وکیل است چیست ؟ و اگر بیشتر از صد هزار نفر صد و پنجاه هزار نفر یک نفر وکیل بدهند چه ضرری بر او مترتب است .

ذکاء الملک - اولاً در باب میزان صد هزار نفر که فرمودید و پرسیدند که چرا اینطور شده است اولاً صد هزار نفر یکمده تام و میزان صحیحی است که از همان زود متوجه اومیشود و اکثر جاهای دنیا هم این میزان را معین کرده اند و وقتیکه نظامنامه انتخابات اولی را نوشتند نظر به همان میزان صد هزار داشته اند حالا باین میزان صحیح تقسیم کرده اند یا نکرده اند و صد و بیست نفر درست بوده که معین کرده اند آنرا بنده نمایانم عرض میکنم که احصائیه در مملکت ما نبوده است و تعیین جمعیت کل مملکت و همچنین تعیین جمعیت ایالات و ولایات خیلی مشکل است و بنده نمیتوانم از این جهت هیچ دفاع بکنم بجهت اینکه بنده معلوم نیست که جمعیت ایران نزدیک بتحقق چند است اجلاً میدانم که بیست و سی کرور و سی کرور است اما در خصوص اینکه چرا طهران را ده نفر داده اند سابقاً عرض کردم که نظر کمیسیون در عده نمایندگان همان بعد از نفوس بوده است ولی در خصوص شهر یا بیست از آن نظر تجاوز کرده است و علاوه بر عده نفوس ملاحظه کرده اند که یا بیست یک اهیتی دارد از حیث اینکه مرکز مملکت است و مرکز امر سیاسی و اقتصادی و صنعتی و تجاری و غیره است همچو تصور کرده

اند که از روی نفوس نظر نکنیم و میزان را بالاتر ببریم تخمیناً در تعیین نمایندگان طهران از میزان صد هزار باین آمده اند و بیزان پنجاه هزار الی شصت هزار نظر داشته اند از این جهت است که عده طهران را ده نفر معین کرده اند سابق تاجهار فرسخی بود است اگر آن چهار فرسخی سابق باشد خیلی فرق میکند مثل شیراز و خوار و رامین و اینجاها جزء طهران میشود میخواستم ببینم این حومه را که نوشته اند تا چند فرسخی مرادشان بوده است .

ذکاء الملک مخبر - برای تعیین حومه هم يك میزان معینی نداریم حومه مقصود آن آبادیهائی است **میرزا داود خان** - نوشته است که طهران و حومه ده نفر حومه تاجند فرسخی طهران است خوب است این را معین کنند که بلاواسطه بیرون شهر است نه جزو شهر محسوب میشود جزو حوزه های بیرون شهر و باین نظر شاید بسیاری از جاها بوده است که خیلی هم دور نبوده و از اداره شهر خارج بوده است بنا بر این نمیتوانیم يك حکم کلی معین کنیم و بگوئیم که حومه سه فرسخ یا چهار فرسخ است .

حاج آقا - بنده پیشنهاد کرده ام و عرض میکنم کلیتاً در این ماده چون میزان درست در دست ما نیست نمیتوانیم حرف بزیم بدون اینکه کلیات معلوم و معین شود ما نمیتوانیم داخل مواد شویم صحبت بکنیم و بدانیم بجهت ترتیب میزان باید داخل در مذاکره شد اگر میزان در دست ما بود معلوم میشد که بجهت ترتیب باید مذاکره شود و پیشنهادی کرد ام خواهش میکنم خوانده شود و در کلیات رای داده شود .

رئیس - میشود . کلیات حوزه بند همان ماده دوم است - در ماده دوم باید در کلیات مذاکره شود .

حاج سید ابراهیم - بلکه گویا این مسلم است که از روی صد هزار نفر یک نفر است ممکن در مرکز بواسطه اهمیتش پیشنهاد کرده ام از روی پنجاه هزار نفر یک نفر باشد بنده اینجا آنچه که از طرح نقشه و طرق استعمار و استعمار نفوس و احصائیه و جغرافیای طهران معلوم کرده ام و استعلام هم کرده ام شده است و گویا مسلم کلی است که طهران از چهار صد هزار نفر بیشتر ندارد در این سورت زیاده از دو برابر ولایات باونمانده بدهند جا ندارد خصوص که غالب اطراف آن علیحده نموده و حق انتخاب نمایانم مستقیماً بآن هاداده ایم مثل شیراز و حضرت عبدالعظیم و سایر اطراف پس خود شهر تهران باقی میماند که عده نفوس آن قیماً از چهار صد هزار نفر علاوه نمیشود و از روی پنجاه هزار نفر هم اگر خواسته باشند بطهران حق بدهند عده نمایانم آ باید هشت نفر باشد و بنده بنده هشت نفر کافی است .

رئیس - اینجا اول باید عده معین شود بعد محل انجمن جزو بعد محل انجمن مرکزی اگر بنا شود در باب عده نبمساعت حرف زده شود آن وقت گمان میکنم پنج شش جلسه هم تمام نشود - گمان میکنم که مذاکرات در این باب کافی باشد .

حاج سید ابراهیم - بنده در انجمن مرکزی اشکال داشتم .

رئیس - موقمش هنوز رسیده است (فشایویه و غار یک نفر) .

رئیس - در يك نفر برای فشایویه و غار مخالفی نیست ؟ - مخالفی نیست - محل انجمن جزء حسن آباد شاهزاده عبدالعظیم مخالفی هست (افشاهار نشد) انجمن مرکزی - طهران .

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم ایرادی داشتید در محل انجمن مرکزی بفرمائید .

حاج سید ابراهیم - در فشایویه و غار حق یک نفر میدهم و انجمن مرکزی او را در خود طهران قرار میدهم این ترتیب هیچ صحیح نیست و مناسب با دادن نمایانم مستقیماً بخودشان نیست و طهران را مرکز آن انتخاب قرار دادن هیچ جهت ندارد یا باید در حضرت عبدالعظیم باشد یا در حسن آباد بطهران آوردن جهت ندارد بجهت اینکه اگر برای استخراج آراء است که صحیح نیست زیر استخراج در همان محل انتخاب میشود اگر برای حکم صحت انتخاب است که آن با خود مجلس است پس انجمن مرکزی را طهران قرار دادن بکلی غلط است .

ذکاء الملک مخبر - این يك مطلبی است که چون نظرش در سایر جاها هم هست باید يك مرتبه مذاکره شده تکلیف آن معین شود و نظر آقایان معلوم شود در کمیسیون يك ترتیب مخصوص اتخاذ شده است نظر بعضی ملاحظاتی آن اینست که در حوزه های انتخابیه که بلوکات و قسبات متعدده که در انتخاب آنها شرکت دارند و باید يك نفر یا چند نمایانم بشراکت انتخاب نمایانم در صورتیکه آن بلوکات و قسبات در عرض صد مایل بود و از حیث امور حکومتی و غیره هیچ کدام از نمایانم است تابع دیگری تصور نمود یعنی هیچ کدام را ممکن نبوده است مرکز قرار بدهیم در اینصورت گفتیم برای اینکه اگر یکی از آنها را مرکز کل قرار بدهیم ممکن است توبه بعضی اشکالات و مشاجرات بشود چنانکه نظیر آنها را در انتخابات سابقه دیده ایم و میدانیم که مشکلاتی برای انتخابات پیش آورده اند که اسباب تأخیر انتخابات شده است گفتیم که در چنین حوزه ها مقید نباشیم که انجمن مرکزی در خود آن حوزه انتخابیه باشد يك مرکز کلی قرار بدهیم که مرکزیت داشته باشد مثلاً فشایویه و غار و سلسله طهران نسبت بآنجا مرکزیت دارد و نمیتواند بگویند که بجهت مرکز ما تهران باشد و اینجا مقصود آن بوده است که در حسن آباد فشایویه و حضرت عبدالمعظم که رای میدهند و استخراج آراء میکنند بالاخره باید آرائیکه داده شده است جمع شود که نتیجه بدست آید این اخذ نتیجه را در تهران بکنند و اینکه تهران را برای اینکار معین کرده است باین نظر بوده است که تهران مسلماً نسبت بفشایویه و غار مرکز است و برای اهالی آنجا هیچ جای اعتراض باقی نمیماند و این نظر در چند نقطه از حوزه های انتخابیه هم بعمل آمده است که محل انجمن مرکزی در خارج حوزه انتخاب قرار داده شده است حالاً در اینخصوص مذاکرات زیاد لازم نیست فقط این يك نظر عقیده کمیسیون است اگر مجلس این نظر کمیسیون را تصویب میکنند که چه بهتر اگر هم

تصویب نمیکند باید برگردد يك شکل دیگری و مرکز حوزه های انتخابیه را در حوزه انتخابیه قرار بدهند .

رئیس - گویا مذاکرات کفایت خوار ایوان کی ورامین یک نفر .

رئیس - مخالفی هست ؟ (مخالفی نبود) محل انجمن جزء ارادان - ایوان کی شیر ورامین

مهرزاد الملک - بنده کلیتاً عقیده ندارم که برای هر حوزه انتخابیه چند انجمن معین کنند يك حوزه انتخابیه باید يك مرکز داشته باشد که تمام عملیات انتخابات در آن مرکز معین شود و چنانچه (قانون انتخابات) که میگذشت (عرض کردم که تمام حوزه ها باید برای انتخاب يك مرکز معین کنند و تمام نقاط آن حوزه بیابند در مرکز حوزه انتخابیه رای بدهند که عملیات انتخابیه بعمل بیاید حالا اگر بعضی نقاط است که نمیتوانند حاضر شوند آن را باید گذاشت که بنظر مرکز حوزه انتخابیه که اگر دید بواسطه دوری راه نمیتوانند حاضر شوند آن وقت خودش اختیار داشته باشد يك شعبه از شعبات خودش را در آنجا تأسیس بکند و این چون از روی يك ترتیب صحیحی نبوده است درست معین نکرده است و ما نمایانم اغلب نقاط که در محل است در این جدول هستند یا نیستند و بسا میشود در وقتی که نقاط جزء رامین میکنم بعضی نقاط دیگر باشد که این مثل بیشتر باشد و از قلم افتاده باشد و يك تقاطعی . اباسم بیرم بعقیده بنده باید يك انجمن برای حوزه انتخابیه معین کرد و این ترتیب را باید بنظر خود او گذاشت .

ذکاء الملک - بلی اینهم یک نظر اساسی است بنده هم تصدیق دارم و این يك مطلب صحیحی است که برای هر حوزه انتخابیه يك انجمن مرکزی قرار بدهند و عملیات انجمن های جزء را بآن انجمن مرکزی واگذار کنند لکن چنان که سابقاً هم که مذاکره میشد عرض کردم اهالی این مملکت امروزه آن طوری که باید در عمل انتخابات بصیر باشند نیستند و در کمیسیون يك ملاحظه داشته اند که مردم دور دست از مرکز در این عمل انتخابات چون تازه کار هستند و مکرر انتخابات ندیده اند و اطلاعات منتخبه در این باب ندارند ممکن است اگر عملیات انتخابات انجمن های جزء را بآنها واگذاریم و از برای هر حوزه انتخابیه يك مرکز معین کنیم بآن مقصودیکه در نظر داریم نائل نشویم حال ممکن است در آنجا هائی که ما برای انجمن جزء معین کرده ایم بعضی اشتباهات کرده باشیم و لکن تصور کردیم که شاید عیب این کار کمتر باشد از اینکه بمجلس اقتدر نفوذ و اقتدار ندارند و از کجا معلوم است که واقف آنها حرفشان مسوع باشد و از کجا معلوم که آنها از روی بصیرت کامل صورت بدهند که در چند محل باید این کار را بکنند راست است عرض کردم که شاید ما اشتباه کرده باشیم شاید چند جا را از قلم انداخته ولی همانطور که باید نوشته شود که هر گاه بعضی بلوکها از قلم افتاده باشد آنها را هم جزء کنند این مسئله را هم باید اضافه کرد که هر گاه انجمن های مرکزی ببینند که از برای بعضی نقاط که انجمن جزء معین کرده ایم و محتاج

بسه انجمن است يك انجمن دیگر خودشان معین کرده وقتی این حق را بآنها دادیم گمان میکنم که دیگر این عیب رفع شود و بعقیده کمیسیون تعیین انجمن های جزء با بعضی مابقی که دارد و محسناش بیش از این است که بخود انجمن های مرکزی واگذار کنیم که نمایانم آنها چکار خواهند کرد و بوظیفه خودشان عمل خواهند کرد یا خیر

رئیس - گویا مذاکرات کافی است محل انجمن مرکزی طهران .

رئیس - در انجمن مرکزی مخالفی هست ؟ **مهرزاد الملک** - بنده میخواستم عرض کنم که این دو فقره را نمایانم گمان هم موافقت هم مخالف و مجبور هستیم که هر ایضاً را بطور مخالفین و موافقین تکرار بکنیم پس بعقیده بنده اگر انجمن مرکزی در حوزه انتخابیه معین شود تصور میکنم از هر حیث خودش لیاقت دارد که در حوزه خودش عملیات انتخاب را بعمل بیاورد و بنده هیچ فرق نمی بینم مابین حوزه انتخابیه فشایویه خوار ایوانکی ورامین یا حوزه انتخابیه اصفهان عملیات انتخاباتشان را باید در محل انجمن مرکزی خودشان بعمل بیاورند بنده حجه این ترجیح بلا مرجح را نمی دانم که بجهت يك حوزه انتخابیه خوار ورامین را باید مطیع انجمن مرکزی تهران کرد و يك جای دیگر رامطیع انجمن خودش این يك چیزی است که خیلی فوق العاده است خارج از ترتیب است و هیچ آن تقسیمات سابق را نباید در نظر گرفت و در این تقسیمات نظر بمطابقت و مطابقت هیچ جایی نباید باشد و این تقسیمات که میشود فقط از نظر انتخابات است و چیز دیگری نیست هر صد هزار نفر يك جای مملکت را بر میدارند حوزه بندی میکنند و عملیات انتخاب را در حوزه انتخابیه خودش میکنند و در يك جای دیگر معین نمی کنند .

رئیس - باز داخل در کلیات شدید **مهرزاد الملک** - کلیات نیست پس باین ملاحظه من مخالف هستم خوب است آنطوری که تمام عالم معین میکنند معین نمایانم يك محل برای انجمن معین کنند خیلی ساده همان کاریکه در تمام عالم میشود

حاج وکیل الرعایا - اگر نسبت انتخابات ما را بخواهند با سایر ممالک که کارهای آنها خیلی زود تر شروع شده است بدهند يك قدری بی مناسبت است بواسطه اینکه آن ها سیصد سال بعضی یک قدری زودتر شروع کرده اند و يك انسی گرفته اند این تفاوت بین ما و آن ها است و لازم است که بیینم در قانون گذشته ما چه اختلافاتی واقع شده حالا هم اگر اینطور باشد اختلافات بزرگی ممکن است برسد ولی حوزه که در مرکز تشکیل داده شده است اقتدر بی ربط نیست اگر آن اشخاص راضی شوند باینکه حکم آن ها را دیگری کرده باشد و ممکن است يك اشخاصیکه بتوانند بخوبی این خیالات را که صلاح امروزه مملکت است در نظر بگیرند داخل در شخصیات و اغراض شوند آن جا هیچ پیدا نشود که گمان میکنم که اصفهان را نمیتوان نسبت بورامین داد .

حاج شیخ اسدالله - گویا حاج وکیل الرعایا درست گوش ندادند بفرمایشات آقای مهرزاد الملک کسی نمیخواهد نسبت بدهد این مملکت را بسایر

ممالک متمدنه و اینجارا با سایر دول متمدنه بسنجد اما در هر مملکتی نسبت بخودش باید ملاحظاتی شود در هر حوزه انتخابیه که وکیل انتخاب میشود در همان جا باید وکیل معین شود و انجمن مرکز گزین باید در همانجا باشد و بعد از اینکه ماحوزه های انتخابیه را از هم تجزیه کردیم دیگر ارتباط یکدیگر ندارند وقتی که ماسخ یک نفر وکیل بورامین و ایوان کی و خوار دادیم و حق آ ها را هم معین کردیم انجمن مرکزی آنها هم باید در همان جا باشد و هیچ مناسبت ندارد که انجمن مرکزی در طهران باشد بله این نظر نسبت دانته انتخابات دوره اول که انتخابات دو درجه بود و حوزه وسعت داشته تمام این حوزه انتخابیه مرکزش در طهران بود صحیح بود اما بعد از آن که اینها از هم مجزی شدند دیگر این معنی ندارد که مرکزش طهران باشد در صورتیکه انجمن های جزء معین باشد و عده هم معین باشد دیگر حجه ندارد بطهران بیاید در همان محل کشف آراء بعمل بیاید و همانجا معین بشود که نمایانم آنها کیست اما اینکه آراء خوار ورامین و ایوانکی را بیاورند طهران و کشف آراء بنمایند چه معنی دارد باید اخذ آراء در همانجا بشود در حضور اهالی باید کشف آراء بشود و بدانند که نمایانم خودشان کیست و اهالی در آن جا نصارت میکنند به بنده نمایانم خودشان کیست اما وقتیکه بنادش که آراء را بر مرکز که در طهران است بیاورند دیگر آن وقت آنها یکدیگر میخوانند آن جا نظارت میکنند و آراء را به بیینند در حضور آنها کشف آراء بشود نمیتوانند ببینند و این يك حقی است که بنده برای عموم ثابت میدانم آن هم در این صورت از این حق محروم بمانند بنده عقیده ام اینست که هر حوزه انتخابیه که حق نمایانم دارد باید انجمن مرکزی آن در خود آن حوزه باشد در جائیکه صحیح است از آن نقاط برای انجمن مرکزی و در موقع کشف آراء باید اعلان بدهند که هر کس میخواهد حاضر بشود و کشف آراء را ببینند و آن وقت در حضور تمام حضار کشف آراء بعمل بیاید و اعتبار نامه اش را بنویسد و باو بدهند و از همان جایباید بر مرکز .

ذکاء الملک - بنده در این باب دیگر حرف نخواهم زد و معینتر میخواستم عرض کنم که اهالی ایران سالها است که تمدن بوده اند و تائیباً اینکه این مسئله انتخابات را که میگوئیم مردم آن مملکت بآن انس و عادت ندارند تقصیر مردم هم نیست بجهت اینکه مردم این مملکت در این امر تازه کارند و ربطی به تمدن و سایر چیزها هم ندارد و در سایر ممالک اینجائیکه ترتیب انتخابات مجری است انتخابات زیاد کرده اند و میدانند ترتیب انتخابات را و هر کس در عرض خود چندین مرتبه انتخابات را دیده و انتخاب کرده اینست که همه مردم میدانند ولی در اینجا باید چند دوره بگذرد تا اینکه مردم عادی شوند اما اینکه میگویند يك حقی برای مردم اینجا ثابت است و ساقط میشود نمایانم چه حقی ساقط میشود مردم در همان محل خودشان رای میدهند و در همانجا استخراج آراء میشود منتهی اینست که چند قصبه و چند بلوکی است که مستقیماً نمایانم ندارد باید آراء انجمن را با آراء اهل محل دیگر جمع کنند و روی هر ریخته شود تا معلوم شود که اکثریت با کیست

و هیچ حتی از کسی سلب نمیشود حالا فرضاً اگر قرار بهمیم که آراء اهالی ایوان کی ورامین در خوار جمع شود شاید اهل ایوان کی وورامین بگویند بچه دلیل مرکز انتخاب ماخوار باشد و در آنجا استخراج بشود و تصور میکنند که اگر در ورامین استخراج نشود با اهالی آنجا برمیخورد اینکه آقای معزز الملک گفته مملکت تقسیمات مختلفه تقسیم میشود مثلا از حیث اداره يك تقسیم میشود از حیث نظام يك تقسیم میشود و از حیث ماله يك تقسیم میشود از حیث انتخابات يك تقسیم میشود از حیث صنعت و تجارت يك تقسیم این تقسیمات هنوز در مملکت ما ترتیب داده نشده است که مردم بدانند اگر در يك نقطه دیگر آراء آنها را بپرسند استخراج میکنند بکسی بر نمیخورد مانوس باین تقسیمات باشند که اگر مرکزیت انتخابات را در ایوان کی قرار بدهند طوری نمیشود و اینکه قرار ندادند که در همانجا استخراج بشود برای اینست که نظائر آن را چنین دیده ایم که بواسطه این مسئله اختلافات خیلی پیش آمده است و این اختلافات بسا اسباب شده است که امر انتخابات را بتعویق انداخته است بواسطه اینکه این انتخابات واقع نشود ما کفایت عجالتاً چون مردم آشنا باین ترتیب نشده اند و ذهنشان هنوز این مطالب را درک نکرده است عمل انتخابات را سهل کرده باشیم بنا براین که این انتخاباتیکه در این دوره هست بقدر کفایت صعب است و مشکلات در پیش دارد و میدانیم که ممکن است خیلی اشکالات پیش بیاید و تا آنجا بیکه ممکن است باید از مشکلات پیش بینی بکنیم که واقف نشود اینست که اگر پهر يك از آن نقاط حق میدانیم که در آنجا استخراج آراء بشود و انجمن مرکزی در آنجا تشکیل شود میگفتند که این ترجیح بلا مرجع است پس گفتیم چند ولایت که در عرض يك دیگرند و در انتخاب شرکت دارند مرکز حکومت آنجا را مرکز قرار بدهند حالا مسلم است که ایوان کی و خوار و ورامین مرکز حکومتشان شهر طهران است از حیث امر اداری و حکومتی تابع شهر طهران هستند آن وقت اگر مرکز آن ها را شهر طهران قرار بدهیم ایرادی نخواهند داشت و این ضمناً مرکزیت ولایات را هم میرساند که اگر در بعضی نقاط مملکت نظرها در امر مرکزیت مشوب شده باشند این مسئله یادآوری میکند ب مردم که مثلاً الموت و رودبار بدانند که مرکز آن ها شهر قزوین است پس این ترتیب محسنت چند دارد و دیگر آن که هیچ ترجیح بلا مرجعی در بین نیست این نظریات کمیسیون است و در این خصوص تمام ادله بیان شده است و بنده دیگر مکرر نمیکنم سایر آقایان هم مکرر نکنند نظر آنگند ببینند این ترتیب را قبول دارند یا ندارند بهر حال هر عقیده که پیدا میکنند باید قطع شود و رأی مجلس آن را قطع می کند .

رئیس - مذاکرات کافی است (گفتند کافی است .)

رئیس - بخوانید (بترتیب ذیل قرائت شد)

دماوند - عده نمایندگان - یک نفر .

رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) محل انجمن جزء - دماوند .

رئیس - در محل انجمن جزء مخالفی هست (گفتند خیر) محل انجمن مرکز - دماوند .

رئیس - در محل انجمن مرکزی مخالفی هست (اظهاری نشد) شهریار - ساوجبلاغ - برغان و اشتهارد - عده نمایندگان یک نفر .

رئیس - در یک نفر مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) محل انجمن جزو هلی شاه عوض کردان - اشتهارد .

رئیس - در محل انجمن جزء مخالفی نیست .

معزز الملک - بنده مخالفم لکن دلائلی سابقه را باید تکرار کنم .

محل انجمن مرکزی - طهران .

رئیس - مخالفی هست .

معزز الملک - اینکه آقای مخبر در همین جا فرمودند که مردم عادت نکرده اند با انتخابات بانچه تعیین بکنند انجمن مرکزی در خارج از حوزه انتخابیه اسباب این میشود که مردم عادت نکرده اند با انتخابات این عجب است اگر مردم عادت نکرده اند با انتخابات پس در هر صورت چه انجمن مرکزی در حوزه انتخابیه چه در خارج باشد عادت نکرده اند و هیچ فرقی نمی کند بشعین انجمن مرکزی چه در حوزه انتخابیه چه در خارج حوزه انتخابیه پس باید يك فکر دیگری کرد برای عادت کردن مردم بنده نمی فهمم که وظیفه این انجمن مرکزی در طهران چه خواهد بود کمیسیون انتخابات يك انجمن جزء معین کرده است برای عمیات در خود محل و يك انجمن مرکزی در خارج از محل که استخراج آراء بنمایند باید انجمن مرکزی هم در همان محل باشد بجهت اینکه عمیات در محل بعمل می آید استخراج هم در همان جا بعمل بیاید دیگر آنکه مسئله اطاعت و عدم اطاعت در بین نیست مردم آراء خودشان را داده اند و آراء آنها استخراج میشود دیگر اینکه اهالی شهر با اطاعت اهالی اشتهارد رافرضاً میکنند یا میکنند ابتدا مربوط باین مطلب نیست و مسئله اطاعت و عدم اطاعت در بین نیست اینست که حوزه انتخابیه آراء خودشان را بیاورند در طهران استخراج شود در صورتی که حوزه های انتخابیه از هم مجزا است نمی دانم چه مناسبت دارد بجهت اینکه هیچ فرق نمیکند بین يك حوزه انتخابیه که حق يك نماینده دارد و يك حوزه انتخابیه طهران که حق ده نماینده دارد هر يك از این حوزه های انتخابیه در عالم خودشان مستقل میباشد و هیچ کم و کسری ندارند اینست که آراء آنها بیاید بطهران انجمن مرکزی طهران چه خواهد کرد غیر از يك استخراج یعنی استخراج را در همان حوزه انتخابیه باید قرارداد آن استادی که ارجح باینست نقطه انتخابات است در انجمن مرکزی محل خودش باید نوشته شود و بنده نمی فهمم که بچه مناسبت در خارج از محل خودش باید استخراج بشود و اعتبار نامه نوشته شود بیاید برای اینکه حرف خودمان را پیش ببریم دلائل بترسیم از قبیل عادت نکردن مردم یا اینکه بگوئیم در ضمن انتخابات میخواهیم یادآوری کنیم مرکزیت را ب مردم آنها خارج از فائده است باید در تمام حوزه ها انجمن مرکزی در خود محل باشد و از مد نظر انتخابات اهالی يك حوزه انتخابیه حق دارند که انجمن مرکزی

را در خود محل قرار بدهند و هیچ حوزه انتخابیه دیگری حق ندارد که برای حوزه آنها بشود

رئیس - گویا مذاکرات کافی است .

حاج سید ابراهیم - این جواب هائیکه داده شد جواب نمیشود خوبست بفرمائید جواب بدهند

رئیس - میدانید این شور اول است بعلاوه آقای مخبر هم گفتند که ممکن است نظر کمیسیون تغییر کند .

حاج وکیل الرعایا - چون تکرار مذاکرات را لازم میدانم هیئت در عرض میکنم اینست که تعیین کرده اند که انجمن مرکزی این نقاط در طهران باشد يك حکمتش اینست که وقتی که آن نماینده اعتبارنامه خودش را تقدیم مجلس میکند اشخاصی مهر کرده باشند اعتبار نامه آنها را که دیگر وقت مجلس برای اعتبار نامه آنها خیلی صرف نشود و این در واقع يك پیش بینی است که از برای آتی کرده اند .

رئیس - عده آقایانی که اجازه خواسته اند خیلی است و گمان میکنم مذاکرات کافی باشد بقیه را بخوانید (بترتیب ذیل قرائت شد)

کس و سولقان و ازنگه و لورا و شهرستانک (عده نمایندگان) يك نفر .

رئیس - در باب عده مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد .)

محل انجمن مرکزی - کنارنگه - شهرستانک .

رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) محل انجمن مرکزی طهران .

رئیس - در محل انجمن مرکزی مخالفی هست

بجهت - در ابتداء اجازه خواستم که اساساً عرض بکنم نوبت بنده نرسیده اینکه در این جا عرض میکنم که بدیهی است يك حوزه انتخابیه بجهت طبیعت و ابتدای نظر اینست که در همان حوزه مرکز انتخابیه انجمن مرکزی تشکیل شود ولی اتفاقات و احتیاجات ما را مجبور میکند که ما از این وضع طبیعی مان تجاوز بکنیم و ببینیم که از کجا شروع با انتخابات می شود از مرکز شروع با انتخابات میشود و چون بعضی نقاط زیر بار بعضی نقاط دیگر نیروند از این جهت گفتیم که مرکز حوزه انتخابیه تقاطع متده در آن مرکز باشد که از آن اعلان انتخابات داده میشود فرض کنیم در يك حوزه انتخابیه که دارای دو حاکم یا دو نایب الحکومه باشد و از این دو نقطه باید يك نماینده انتخاب بشود انجمن مرکزی را در هر يك از این دو نقطه که بخواهیم قرار بدهیم نقطه دیگر زیر بار نخواهد رفت باین جهت گفتیم یعنی ما را مجبور کرد این نظر که بگوئیم که در نقطه که از اینجا شروع میشود با انتخابات و اعلان انتخابات داده میشود در آنجا انجمن مرکزی تشکیل شود و باید آنجائی که اعلان انتخابات میدهد يك مرتبه داشته باشد سایر نقاط حالا بنده من باب مثال دو نقطه را میگویم مثلاً يك نقطه رام هرمز و يك نقطه بندر ناصری است اگر در رام هرمز اعلان انتخابات بدهند و انجمن مرکزی را در آنجا قرار بدهند هرگز ناصری زیر بار نخواهد رفت و همینطور بالعکس چون این وضع طبیعی را ما می دانیم اینست که میگوئیم باید از شوشتر اعلان انتخابات برامهرمز

و ناصری داده شود و اعلان کنند از شوشتر که شما انجمن های جزعرا تشکیل بدهید و نتایج آراء را هم بفرستید اینجا ما استخراج خواهیم کرد اعتبارنامه را هم ما خواهیم داد اگر اختلاف نظری هم در بین باشد حل خواهیم کرد باین ملاحظاتی ما مجبور میشویم که جاهائی که دو حکومت باشد حکومت نشین دارد مرکزیت را بجائی بهمیم که فوق این نقاط باشد آنوقت آنجا را مرکز انتخابات کلی قرار بدهیم یعنی اعلان انتخابات لغا بنشود در آنجا تمام شود دیگر آقایان درست دقت بفرمایند باین عریض بنده دیگر اشکالی باقی نمی ماند و رفع اختلافات میشود .

حاج عزالمه الك - اگر مرکز حوزه انتخابیه را يك نقطه قرار بدهیم که بالنسبه بسیار نقاط مساوی باشد اسباب اشکال خواهد شد مثلاً کن و سولقان و شهرستانک برای هر يك يك انجمن انتخابیه جزئی معین کرده ایم و هیچ نمیتوان تصور کرد که هیچیک از این حوزه ها صلاحیت داشته باشد برای استخراج آراء سایر حوزه ها و هیچ نمیشود يك نماینده که باید بجلس باید موقوف کرد منتخب انتخابات و اعتبار نامه او را بتصدیق يك چنین حوزه اینست که مجبور هستیم که يك مرکز دیگری برای آنها معین کنیم تا اینکه نتیجه آراء هر سه نقطه در آنجا معین شود اینست که مرکز انتخابات آن سه نقطه را طهران قرار داده اند که نمایندگان آن منتخب در طهران معین شود غیر از این هیچ ممکن نیست مگر تقاطع بیکه يك مرکزیت بسیار نقاط داشته باشد که جاهای دیگر قبول نکنند .

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم که يك قانون کلی را در تمام مملکت نمیتوان از برای يکی دو مورد که نادراً اتفاق می افتد طوری نوشت که در تمام موارد اسباب اشکال بشود حالا يك موردی را فرض میکنم که شاید در تمام مملکت يکی دو مورد بیشتر نباشد زیرا حکومت نقطه دیگر نبودند ولی این را بنده نمیتوانم تصور کنم که زیر بار رفتن در اینجا یعنی چه چه کسی خواهد با آنها تحمیل کند حکومت آن محل اعلان میکند جمع میشوند اهالی اغلب انجمن نظارش تشکیل میشود ورقه میگیرند رأی میدهند متفرق میشوند دیگر مسئله برتری نیست منتهی يك انجمن مرکزی که آن باید این آراء را استخراج کند و نتیجه اش را بآن انجمن مرکزی اظهار نماید آراء را که بهم سنجیده اند اکثریت او را معین میکنند و هر کسی دارای اکثریت است او وکیل است و انجمن مرکزی اعلان میکند که این شخص دارای اکثریت است و اعتبارنامه اش را مینویسد و مهر میکند در همان محل مرکزی میدهند حالا منتهی چیزی که هست اگر بخوانند خیلی دقت بکنند در تمام مملکت هر يك مورد یا دو مورد باشد پیدا میشود که اشکالات در آنجا متصور است و ممکن است پیدا شود نباید قانون کلی را تغییر داد برای يکی دو مورد بنده عقیده ام اینست که بد از آنکه انجمن ها را معین کردند و تمام حوزه های انتخابیه را از هم مجزا کردند آنوقت باید در حوزه انجمن مرکزی آن در خودش باشد .

رئیس - داخل در کلیات شدید .

حاج شیخ اسدالله - در همین ماده بخصوس

است عرض میکنم که نباید حوزه دیگری داخل در امور را بجهت دیگر شود و در هر حوزه انتخابیه باید آراء استخراج شود و انجمن مرکزی آن در همانجا تشکیل شود .

ذکاء الملک - برای اینکه مطلب ختم شود و در امثال این مورد دیگر آنقدر مذاکرات نشود عرض میکنم در این خصوص قبل از شروع در شروع نانی باید البته معلوم شود که مجلس این ترتیب کمیسیون قبول خواهد کرد یا نخواهد کرد و آنوقت در اینخصوص رأی خواهم گرفت حالا دیگر لازم نیست مذاکره شود مطلب معلوم شد حالا در جزئیات باید نظر کرد که فلان حوزه انتخابیه بیک نفر نماینده یا چنده نفر را قبول دارند یا ندارند اینست که تمام شود معین شد قبل از شور نانی رأی خواهیم گرفت که انجمن مرکزی ممکن است در خارج از حوزه هم باشد یا خیر .

رئیس - گویا آن ترتیب پیشنهاد کردن اصلاح فراموش شده است این ترتیب را بطور اصلاح بنویسند و بفرستند بکمیسیون رجوع میکنیم چون متصل نطق میشود و ترتیب صحیحی در اصلاحات دیده نمیشود محل انجمن مرکزی طهران .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) محل انجمن جزو افجه تجریش .

رئیس - در عده مخالفی نیست (اظهاری نشد) محل انجمن جزو افجه تجریش .

رئیس - مخالفی نیست محل انجمن مرکزی طهران .

رئیس - مخالفی نیست .

حاج سید ابراهیم - آن آقایانیکه آقای مخبر فرمودند خوب بود اگر ما بطهران چهارده بانزده نفر نماینده میدادیم و آن عده را تقسیم بر این نقاط می نمودیم آنوقت این ترتیب صحیح بود که محل انجمن مرکزی همه اینها طهران باشد اما باین ترتیب که حوزه های انتخابیه را جدا جدا کرده اند در هر محلی مستقیماً نماینده داده اند آنوقت انجمن مرکزی آنها را در طهران قرار دادن این صحیح نیست و دوچار اشکالات خواهیم شد بعلاوه در حوزه بندیهای سایر نقاط که بعد می آید می بینیم که ترتیب فرق میکند بعضی اینطور شده که ب مجلس نماینده مستقیماً داده اند ولی انجمن نظرسوت مرکزی آنرا در خارج از آن حوزه قرار داده اند و بعضی طور دیگر که انجمن مرکزی را در خود حوزه یعنی يکی از نقاط که در انتخاب قرار داده اند این ترتیب خوب نیست باید كلا حوزه بندیها در تحت يك ترتیب باشد بنده پیشنهاد کرده بودم که آنچه نماینده بدار الخلافه و توابع داده میشود يك مرتبه نوشته شود آن وقت مرکز آن ها را شهر طهران قرار بدهم عیب ندارد و دیگر آن که بجای انجمن های جزء را بنویسند شعبه انجمن نظرات بجهت این که بین انجمن جزء و شعبه انجمن نظرات فرق کلی است .

حاج عزالمه الك - اینجا مقصود حاج سید ابراهیم در این انتخابات جمعی است و این غلط است و باعتماد بنده این انتخابات فقط راجع خواهد شد بقدر طهران بجهت این که در این مورد

در لواسانات و رودبار قطرن و شمیران که افجه و تجریش را انجمن جزء قرار داده اند خوبست بفرمایند کدام يك از این ها صلاحیت دارد که انجمن مرکزی در آن تشکیل شود اگر آن را معلوم کردند آن وقت قبول میکنم از ایشان که انجمن مرکزی در خود حوزه انتخابیه باشد باعتماد بنده در این حوزه بندیهای نظرات در این بوده که هر جا که محل حوزه انتخابیه ممکن است انجمن مرکزی تشکیل شود در همانجا قرار داده اند مثل دماوند که انجمن مرکزی آن در خود دماوند است و در جلد هائیکه ممکن نبوده است مثل همین لواسانات و رودبار و قطران و شمیران در طهران قرار داده اند و این از روی مجبورت بوده است .

حاج سید ابراهیم - بنده مقصودم نه این بود که این چهارده نفر یا شانزده نفر بانچه جمعی منتخب شوند بنده مقصودم صحت عمل انجمن مرکزی بوده مثلاً خوار و ورامین و ایوان کی را بیک نفر قرار داده اند و صحیح است بنده میگویم انجمن مرکزی آن ها هم باید در همانجا معین شود و منطقی نیست که بگویند خوار مثلاً يك حوزه انتخابیه است و مرکز طهران است .

رئیس - عده کل نمایندگان طهران شانزده نفر در این مخالفی نیست (اظهاری نشد .)

رئیس - دو فقره پیشنهادات خوانده میشود

میرفستیم بکمیسیون پیشنهاد آقای حاج سید ابراهیم خوانده میشود (ببابت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که عده نماینده در طهران بتناسب هر پنجاه هزار نفر يك نفر هشت نفر نماینده معین شود پیشنهاد دیگر - محل انجمن مرکزی فشافویه و غار حضرت عبدالعظیم پیشنهاد دیگر - بنده پیشنهاد میکنم در حوزه بندی دار الخلافه این قسم قرار شود طهران و توابع ۱۴ نفر مرکز حوزه تهران و آنچه نوشته شده انجمن جزء نوشته شود شعبه انجمن نظرات .

رئیس - پیشنهاد آقای معزز الملک خوانده میشود (ببابت ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم (۱) محل انجمنای جزء در قانون انتخابات معین نشده بنظر انجمن مرکزی واگذار شود (۲) انجمن مرکزی هر حوزه انتخابیه در خود حوزه انتخابیه معین شود .

رئیس - میرفستیم بکمیسیون عجلتاً ده دقیقه نفس است (در این موقع نفس شد و پس از نفس مجلس یک ساعت قبل از ظهر تشکیل گردید) (صورت حوزه بندی قزوین و توابع بترتیب ذیل قرائت شد قزوین اطراف خرقان الموت رودبار یک نفر) .

رئیس - مخالفی هست در این باب .

ادیب التجار - در باب قزوین و مضافات قزوین اولاً در اینجا نوشته شده است قزوین و اطراف عقیده بنده این است که اطراف را تصریح بفرمایند اگر چه بطوریکه بنده یرسبم در خارج و جواب دادند گویا مرادشان این است که از پشت قزوین تا حدود حوزه های معینه جزء مضافات قزوین محسوب است اگر مراد غیر از این باشد بفرمایند اما قزوین و اطراف و طالقان و الموت را نوشته بکنند بنده باعتماد خودم این تعیین را بی مناسبت میدانم و حق این است که